

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شد

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری

قطعنامه اوضاع سیاسی مصوب کنگره یازدهم حزب حکمتیست

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران
اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی کارگری در باره قدرت سیاسی

جامعه ایران در آستانه تحولات مهم:

جهت گیری و اولویتهای حزب حکمتیست
(مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست)

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی،
بسوی یک برابری سوسیالیستی!

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به زندانیان سیاسی

زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی،
سنگر مقاومت و "نه به اعدام"!

۷۹۶
حکمتیست
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۸ فروردین ۱۴۰۴ - ۷ آوریل ۲۰۲۵

سخنرانی افتتاحیه در کنگره یازدهم حزب
کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

چه باید کرد کمونیسم امروز

سیاوش دانشور

حضار محترم، نمایندگان کنگره، مهمانان گرامی، رفقای عزیز حاضر در دو سالن سوئد و آلمان، دوستانی که از طریق نت و کانال های حزب با ما هستید، حضورتان را خیر مقدم میگویم. به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست خوش آمدید!

در سال گذشته در چهارم ماه مه و اول ژوئن، جنبش کمونیستی طبقه کارگر و ما دو هم‌رزم و کادر برجسته کمونیست را از دست دادیم. رفیق حسین مرادیگی (حمه سور) از رهبران کمونیست کارگری و اولین فرمانده نظامی کومله و رفیق مظفر صالح نیا کارگر کمونیست و از سازماندهان و شخصیت خوشنام و محبوب در شهر سنندج. در همین روزها خانم احترام شکوری در سنندج درگذشت. شریک زندگی شان آقای رشید خداجو توسط رژیم اعدام شد، دو فرزند دلبندشان نادر و ناصح در صفوف مبارزه سوسیالیستی جان باختند و دخترشان خانم ناهید خداجو در زندان است. خانم احترام شکوری از زنان مبارز و جسور و از افتخارات شهر سنندج است.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سخنرانی افتتاحیه در کنگره یازدهم حزب

چه باید کرد کمونیسم امروز ...



اگر سرمایه داری امروز در مهد دموکراسی آمریکا و در قاره سبز، فاشیسم بیرون میدهد، به معنی اینست که در قلمرو سیاست نیز گرایشات کلاسیک تر مانند محافظه کاری و کنسرواتیسم، لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی، سپر انداخته اند و افقی برای رهبری سیاسی سرمایه و بازتولید آن ندارند. حتی

جناح های چپ مرکز که دوره ای در کشورهای مختلف از یونان و اسپانیا تا آمریکا و بریتانیا علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی خودی نشان دادند و بسیاری از ناراضیان و معترضین را موقتاً جذب کردند، یک به یک تسلیم دست راستی ترین پلاتفرمهای بورژوازی شدند و یا راساً مجری همان سیاستها شدند.

عروج و قدرتگیری فاشیستها و راست افراطی یک علامت است. وقتی بحران و بن بست سرمایه بحدی میرسد که سرمایه داری نیازمند یک بازسازی و بازتعریف است، در دوره هایی که یک شیفت تاریخی ضروری شدند، فاشیسم و ناسیونالیسم افراطی و جریانات مشتق از آنها اعم از قومگرایی و مذهب میداندار میشوند. اینها خود نیروی انکشاف سرمایه داری در یک درازمدت اقتصادی نیستند بلکه عصای دست طبقه حاکم برای برون رفت از بحران اند. این تشدید مبارزه طبقاتی است که عروج این نیروهای دست راستی را الزامی میکند. تشدید مبارزه طبقاتی، چه در درون طبقات حاکم و چه میان اردوهای متخاصم کار و سرمایه، مانند همیشه تاریخ موتور محرکه این کشمکش ها و رقابتهای حاد هستند.

لذا در بحث چه باید کرد کمونیسم امروز، به همان اندازه که بورژوازی تلاش دارد مهر خود را بر سیمای آتی جهان بکوبد و برای یک دوره قابل پیش بینی منافع سرمایه را از طریق تشدید استثمار کار سازماندهی کند، کمونیسم و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر این فرصت را دارد که مهر خود را بر تحولات تعیین کننده و دورانساز بکوبد. بازسازی سرمایه داری به یک جهان چند قطبی و تداوم اوضاع موجود در شکلی فجیع تر محتوم نیست، میتواند با تکیه به رشته ای از انقلابات و برآمدهای اعتصابی و توده ای کل تصویر یا بخشی از آن عوض شود. این هم یک تجربه تاریخی ماست.

اوضاع منطقه خاورمیانه، با فرض ویژگیهای منطقه ای بمثابه یک کانون قدیمی بحران، مسائل مطرح آن و تحولاتی که در دو سه دهه اخیر از سرگذرانده است، جدا از متن جهانی کشمکشهای جاری نیست. اتفاقاً کانونهای جنگ و بحران از کشورهای خاورمیانه اسلام زده تا شرق آسیا و اوکراین و آفریقای کودتا زده، از جبهه های جنگ و رقابت برسر نیازهای سرمایه داری امروز و تحولات آنند. اگر تفاوتی در این کشورها هست اینست که در آن فاشیستهای مانند نتانیاهو و خامنه ای و اردوغان و طالبان و امثالهم سلطنت میکنند و توحش و

مایلم در ابتدای کنگره یاد این رفقا و همزمان عزیز را گرامی بداریم و بر تداوم مبارزه برای تحقق آرمان کمونیستی آنها و همینطور صف وسیع مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم تاکید کنیم.

قاعدتاً در مجامع کمونیستی سوال کلیدی برسر اینست که کمونیست ها در شرایط مشخصی که در آن قرار گرفته اند چه وظایفی دارند، بقولی «چه باید کرد» و «چه میتوان کرد» آنها که اساساً سوالاتی پراتیکی و به این اعتبار نظری و سیاسی هستند، چیست؟

کنگره یازدهم حزب و این مجمع کمونیستی نیز به طریق اولی با این سوال روبروست. چه باید کرد کمونیسم امروز چیست؟ ما در متن یک شرایط خطیر و متحول جهانی و منطقه ای کار و فعالیت میکنیم. در ایران که حوزه نفوذ و کار ماست نیز با یک جامعه ملتهب و خواهان تغییر روبرو هستیم. به این مباحث با تفصیل بیشتری در طول کنگره خواهیم پرداخت، اینجا بعنوان سرخط کار کنگره نکاتی را مختصراً اشاره میکنم؛

تشدید کشمکش و رقابت قدرتهای سرمایه داری و جنگهای ارتجاعی که از کشورهای خاورمیانه تا آفریقا و آسیا و اروپا در جریان است، صرفاً جلوه هایی از تقابلهای حادث برسر بازسازی بورژوازی جهان سرمایه داری است. کل ساختارها و ارکانی که به چهارچوبهای نظم سرمایه داری بعد از جنگ دوم جهانی شکل داده بودند، دستخوش تغییرند. این ضرورت در پایه ای ترین سطح و بدو محصول تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی، سر باز کردن مسائل لاینحل بعد از پایان جنگ سرد و جهان دوقطبی، عروج قدرتهای جدید اقتصادی، رقابتهای و تقابلهایی که این روند برسر مسائل استراتژیک و ژئوپولیتیک بیش از پیش روی صحنه آورده است، پاسخ به نیازهای سرمایه داری در قرن بیست و یک و تحولات عظیمی است که دنیای امروز با آن روبروست.

تحولاتی که امروز در اقتصاد و سیاست و فرهنگ و کل قلمروهای زندگی اجتماعی با آن روبرو هستیم، در قیاس با آغاز این روند در دهه هشتاد و سپس پایان جنگ سرد در دهه نود، غیر قابل تصور است. با پایان جنگ سرد قرار بود «غرب پیروز» و در راس آن آمریکا، «نظم نوین جهانی» را مستقر کند. نظمی که «طلوع خونین آن» با حمله به عراق آغاز شد و در مدت کوتاهی به گُل نشست. در دو دهه اخیر و امروز بیش از هر زمان آن ائتلافی که بنام «غرب» و «جهان آزاد» معرفی میشد، دچار تشتت و بحران است و ارکان اساسی آن در یک سیر تجدید نظر و تحول اند. دنیا فاقد یک رهبری پذیرفته شده و چهارچوبهای قوام یافته و باثبات است، در واقع جنگ و رقابت برسر رهبری و چهارچوبهای جدیدی است که قرار است در قرن بیست و یکم روی ویرانه های دنیای بعد از جنگ دوم جهانی در قرن بیستم بنا شود.

سخنرانی افتتاحیه در کنگره یازدهم حزب

چه باید کرد کمونیسم امروز ...

سرکوب و استثمار را بحدی رسانده اند که ترامپ ها و برلوسکونی ها و لوپن ها «دمکرات» و «لیبرال» جلوه کنند.

مسئله کلیدی در خاورمیانه نیز رهائی از سلطه اسلام و حکومت‌های مذهبی و استبدادی سرمایه، پس راندن بربرهای فاشیست یهودی و اسلامی و قومی که بخون هر مخالفی تشنه هستند، بمیدان کشیدن سکولاریسم و برابری طلبی و رهائی از فقر و فلاکت عظیمی است که حکومت‌های سرمایه داری صدها میلیون انسان را به آن محکوم کرده است.

ایران بعنوان یک کشور مهم خاورمیانه و حوزه نفوذ کار ما، بیش از هر زمان دستخوش تحول است. کشوری که سنت چند انقلاب و تحول مهم را در قرن بیستم دارد و طی یک‌دهه گذشته برآمدهای توده ای عظیم را پشت سر گذاشته است. کشوری که یک کانون اعتصاب و اعتراض کارگری در مقیاس وسیع است و نمیتوان به نمونه مشابهی در منطقه و کشورهای دیگر اشاره کرد. کشوری که زنان در آن برای اولین بار وسیع ترین خیزش زنانه را علیه سمبل اسلامیت و آپارتاید انجام داده اند و شیپور سرنگونی دولتهای اسلامی در منطقه را بصدا درآورده اند. کشوری که نسل جدیدش رادیکال و هشیار است و ماتریال اجتماعی یک تحول عظیم است.

ایران به نظر ما تنها کشور در منطقه و شاید در جهان است که پتانسیل یک انقلاب عظیم کارگری را دارد. تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی قطعی است اما این تعیین تکلیف دو سویه بیشتر ندارد: یا تحول سیاسی تحت یک پرچم راست و امروز باید گفت فاشیستی و سناریو سیاهی و ضد جامعه، بسان همین هائی که در ایندوره روی صحنه آمدند صورت خواهد گرفت، و یا با یک پرچم چپ و کارگری و سوسیالیستی که حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و صفی از کمونیست‌های ایران و کارگران رادیکال و سوسیالیست برای آن تلاش میکنند.

کمونیسم امروز راه های زیادی برویش باز نیست و درعین حال تنها راه نجات بشریت از منجلاب سرمایه داری است. نه فقط در مقابل تعرض فاشیسم و ناسیونالیسم افراطی باید پرچم کمونیسم و وحدت طبقاتی کارگران و انترناسیونالیسم کارگری را برافراشت، نه فقط باید بار دیگر جنبشهای ضد فاشیستی و ضد کاپیتالیستی وارد مصافی ملیتانت علیه تعرض فاشیسم و ناسیونالیسم شوند، بلکه در کشوری مانند ایران یا هر کشور مشابه که بحراناها و کشمکشهای اخیر فرصتی برای ابراز وجود کمونیسم و جنبش طبقه کارگر باز میکند، بدون شبهه و با اعتماد بنفس پرچم انقلاب کارگری علیه سرمایه داری و وضع موجود را برافراشته تر کرد.

برای این کار و پیشروی و پیروزی کمونیسم در ایران ما نیازمند مجموعه ای از اقدامات، طرح ها، رفع محدودیت های طبقه کارگر و

مبارزه توده ای، سازماندهی نیروی مادی این تحول، تعرض فکری و سیاسی به مدافعان وضع موجود در بستر اصلی سیاست و جناح های چپ توجیه گر و موثلف آن در حاشیه سیاست هستیم. امروز بورژوازی هیچ تردیدی ندارد که هرآنچه روزی تحت عنوان حق و حقوق ناچار شده بود بپذیرد، پس بگیرد و حتی رقبای بغل دستی سرمایه دار خود را با داغ «کمونیسم» بکوبد.

امثال ترامپ در آمریکا به کاملاً هریس و دمکراتها میگوید «کمونیست» و سلف ایرانی سلطنت طلبش به جمهوری اسلامی میگوید «سوسیالیستی»!! اینها صرفاً پروپاگاندا سطحی نیستند، وحشت بورژوازی از پتانسیل طبقه کارگر و کمونیسم در دوره خطیر کنونی را بیان میکنند. لذا کمونیست ها موظف اند بیش از هر زمان و با افتخار پرچم سرخ کارگری و کمونیسم را برافرازند و برای پیروزی سوسیالیسم و رفع موانع آن آستین ها را بالا بزنند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به این سنت تعلق دارد و این کنگره باید یکبار دیگر براین مهم و تعهد حزب برای دخالت در تحولات ایران با یک برنامه و پرچم کمونیستی و برای متحد کردن نیروی طبقه کارگر و سوسیالیسم تاکید و تلاش کند.

راه دیگری به روی ما باز نیست، جهان و منطقه و ایران برسر یک دو راهی دوران ساز است که سرنوشت نسلهای متمدنی را رقم میزند: یا سرمایه داری و نیروهای متعدّدش با جلوداری فاشیستها و عقب مانده ترین و مرتجع ترین نیروهای سیاسی، طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی را میکوبند و دور جدیدی از استثمار خشن و بربریت سرمایه داری را سازمان میدهند، و یا طبقه کارگر و کمونیسم رادیکال کارگری ترمزی براین قطار مرگ و خون میزند و طرحی نو درمیاندازد.

انتخاب سیاسی و اراده انقلابی دو عنصر کلیدی در مسیر تلاش بشر و همه ما است. کمونیسم میتواند و باید بار دیگر در مقیاس اجتماعی یک سنگر مقاومت، سنگر تعرض انقلابی علیه نظم کنونی باشد. این کنگره میگوید: رفقای کارگر، کمونیست ها، همزمان، انقلابیون، متحد شویم! برای جنگی بی امان با بورژوازی در جهان و منطقه و ایران! برای یک راهی همه جانبه، برای یک جامعه آزاد و خوشبخت و مدرن سوسیالیستی!

متشکرم.

مارس ۲۰۲۵



کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شد



کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای ۹ و ۱۰ فروردین برابر با ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۲۵، با حضور بیش از ۱۱۰ نفر از نمایندگان منتخب تشکیلاتهای حزب، هیئت‌های نمایندگی احزاب و سازمان‌ها و مهمانان شامل شماری از چهره‌های جنبش چپ و کمونیستی و جنبش کارگری، در دو سالن در کلن - آلمان و استکهلم - سوئد به اضافه رومهای نئی با موفقیت برگزار شد. کنگره همزمان با پخش مستقیم در تلویزیون و میدیای حزب این امکان را فراهم کرد که طی دو روز برگزاری کنگره، هزاران نفر کنگره و مباحثات و تصمیمات آن را همراهی کنند.

کنگره با خوشامدگویی ناصر مرادی دبیر کمیته مرکزی به شرکت‌کنندگان و پخش سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد رفقا حسین مراد بیگی (حمه سور) و مظفر صالح‌نیا آغاز و با سخنرانی افتتاحیه رئیس دفتر سیاسی ادامه پیدا کرد.

سیاوش دانشور در سخنرانی خود به سوال «چه باید کرد کمونیسم امروز» در متن تحولات سرمایه‌داری و تشدید رقابتهای حاد جاری پرداخت و تاکید کرد؛ کنگره یازدهم حزب و این مجمع کمونیستی به طریق اولی با این سوال روبروست: چه باید کرد کمونیسم امروز چیست؟ ما در متن یک شرایط خطیر و متحول جهانی و منطقه‌ای کار و فعالیت میکنیم. در ایران که حوزه نفوذ و کار ماست نیز با یک جامعه ملتهب و خواهان تغییر روبرو هستیم. در این بحث از جمله بر ضرورت شکل دادن به یک صفبندی بین‌المللی کارگری و ضد کاپیتالیستی علیه طبقات حاکم و فاشیسم و ناسیونالیسم، بر وضعیت ویژه ایران و جنبش سرنگونی و دورنمای انقلاب کارگری و رفع موانع این مسیر تاکید شد.

با پایان سخنرانی افتتاحیه، پیامهای احزاب و سازمانهای شرکت‌کننده در کنگره به این ترتیب توسط هیئت‌های نمایندگی حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان فدائیان (اقلیت)، سازمان راه کارگر، اتحاد سوسیالیستی کارگری، سازمان بدیل کمونیستی در عراق، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ارائه شد. همچنین پیامهای حزب کمونیست کارگری کردستان توسط جلیل رضایی و حزب کمونیست کارگری عراق توسط سیوان کریمی. پیام روبرتو لوزی از سازمان گرایش انترناسیونالیست انقلابی در ایتالیا توسط جمال کمانگر قرائت شد. پیام دوستانه آکسل پرسون از رهبران اتحادیه (ث.ژ. ت) که بدلیل درگیربودن در اعتراضات نتوانست در کنگره حضور یابد، توسط ناصر مرادی به اطلاع کنگره رسید. در ادامه پیام صوتی بهار منزر از چهره‌های فعال حقوق زن در کردستان عراق از کانال رضا کمانگر پخش شد. در پایان پیام تصویری علی جوادی به کنگره و اعلام پیوستنش به حزب حکمتیست بصورت آنلاین پخش شد.

سپس ملکه عزتی از طرف هیئت نظارت سراسری بر انتخابات نمایندگان کنگره، گزارش پروسه انتخابات را به کنگره ارائه داد. کنگره به اتفاق آرا اعتبارنامه نمایندگان منتخب را تصویب و رسماً کار خود را آغاز کرد.

کنگره در ادامه کار خود دستورهای پیشنهادی دفتر سیاسی ارائه شده به کنگره و یک دستور پیشنهادی دیگر و زمان‌بندی برای آنها را بتصویب رساند. دستورهای تصویب شده عبارت بودند از:

- ۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی. ۲- بیانیه اوضاع جهان (آینده جهان، خطر فاشیسم و میرمیت انقلاب کارگری). ۳- قطعنامه اوضاع سیاسی (دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران، اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی کارگری در باره قدرت سیاسی). ۴- اولویت‌های حزب حکمتیست (جامعه ایران در آستانه تحولات مهم: جهت‌گیری). ۵- سند آناتومی گذار. ۶- قراها و قطعنامه‌ها. ۷- پیام‌ها شامل؛ پیام به طبقه کارگر: برای آزادی باید قدرت سیاسی را بگف آورد ۸ - پیام به جنبش آزادی زن: برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی، بسوی یک برابری سوسیالیستی! ۹- پیام به زندانیان سیاسی: زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی، سنگرمقاومت و "نه به اعدام"! ۱۰- انتخابات.

در دستور گزارش، ابتدا سیاوش دانشور گزارش کتبی ارائه شده به کنگره را معرفی و دبیران کمیته‌های حزب؛ رحمان حسین زاده از کمیته سازمانده، صالح سرداری از کمیته کردستان، سعید آرمان از کمیته خارج، اسماعیل ویسی از ستاد تبلیغ و میدیا، عبدالله دارابی در باره کمکهای تاکنون جمع‌آوری شده، نکات تکمیلی و لازم را به کنگره ارائه کردند. نمایندگان کنگره و مهمانان نقد و نظر، ملاحظات و سؤالات خود را بر گزارشات ارائه شده به کنگره ارائه کردند. در پایان رئیس دفتر سیاسی ضمن پاسخگویی به سؤالات و ملاحظات مطرح شده، به فعالیت‌های مثبت بین دو کنگره و به کمبودهای جدی در فعالیت‌های این دوره حزب اشاره کرد.

دستورهای بعدی کنگره سند اوضاع جهان را رحمان حسین‌زاده، قطعنامه اوضاع سیاسی را سیاوش دانشور، سند اولویت‌های حزب را رحمان حسین‌زاده و اسماعیل ویسی معرفی کردند. سپس نمایندگان حاضر در کنگره ضمن اظهار نظر اصلاحاتی را برای تدقیق اسناد پیشنهاد کردند. در ادامه کنگره وارد رأی‌گیری برای کلیت هر سند شد. کلیت بیانیه اوضاع جهانی با اکثریت آراء و دو رأی ممتنع، کلیت قطعنامه اوضاع سیاسی باتفاق آراء، سند اولویت‌ها با اکثریت آراء و دو رأی

پایان رسید.

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شد ...

ممتنع، به تصویب کنگره رسیدند. اصلاحات پیشنهادی به اسناد از طرف نویسندگان اسناد، نهایی و برای انتشار آماده می‌شوند.

مهمانان کنگره در خاتمه هر اجلاس نیم‌روزه در نوبت‌های خود در مورد مباحثات کنگره اظهار نظر کردند.

سند آناتومی گذار در تماس و مشورت با نویسنده برای بررسی بیشتر به نشست کمیته مرکزی منتخب محول شد. همین‌طور سه پیام کنگره به اتفاق آرا به تصویب نمایندگان رسیدند.

در دستور قرار و قطعنامه‌ها؛ ۱- قرار پیشنهادی در مورد تغییر نام حزب به دلیل عدم کسب رأی کافی نمایندگان از دستور خارج شد. ۲- قرار در حمایت از اعتراضات دانشجویی برای تقویت سازماندهی دانشجویان رادیکال و سوسیالیست برای در دستور قرار گرفتن توسط پلنوم کمیته مرکزی تصویب شد. پلنوم تصویب کرد که این قرار تکمیل تر بصورت پیام کنگره منتشر شود.

در دستور انتخابات کمیته مرکزی از میان کاندیداها ۳۲ نفر بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند که از این میان ۳۰ عضو اصلی و ۲ عضو علی‌البدل می‌باشند. اسامی به ترتیب الفبا به این شرح است:

۱- الهام صالح‌نیا ۲- ابراهیم باتمانی ۳- اسماعیل ویسی ۴- امیر عسگری ۵- اوین رضایی ۶- پروین کابلی ۷- جلال محمودزاده ۸- جلیل رضایی ۹- جمال کمانگر ۱۰- دلاور منزر ۱۱- رحمان حسین‌زاده ۱۲- رضا کمانگر ۱۳- سعید آرمان ۱۴- سعید یگانه ۱۵- سیاوش دانشور ۱۶- سیوان کریمی ۱۷- سوسن هجرت ۱۸- شمال علی ۱۹- صالح سرداری ۲۰- عبدالله دارابی ۲۱- علی جوادی ۲۲- کریم نوری ۲۳- محمود رهبری ۲۴- ملکه عزتی ۲۵- محسن حسینی ۲۶- مختار محمدی ۲۷- ناصر مرادی ۲۸- هلاله طاهری ۲۹- همایون گدازگر ۳۰- وریا روشنفکر. اعضای علی‌البدل: ۱- نسرین محمودی آذر ۲- مهدی طاهری.

بخش پایانی کار کنگره یازدهم حزب حکمتیست سخنرانی اختتامیه بود. سیاوش دانشور در سخنان اختتامیه ابتدا از همه ارگان‌ها و رفقا و دست‌اندرکاران تدارک سیاسی و اجرایی کنگره قدردانی و از حضور گرم رفقای مهمان تشکر کرد. در پایان بر ضرورت تحزب و تشکل در شرایط خطیر کنونی برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی تأکید کرد و رهبران کارگری و رهبران جنبشهای اجتماعی و سوسیالیستها و انقلابیون را به اتحاد حول پرچم آلترناتیو کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تأکید کرد.

به این ترتیب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در میان شور و شوق حضار با پخش سرود انترناسیونال به

سخنرانی‌ها و مباحث کنگره با فایل‌های صوتی، تصویری و نوشتاری در سایت‌های حزب و شبکه‌های اجتماعی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۱ (پلنوم ۵۰) برگزار شد

روز یکشنبه ۶ آوریل، پلنوم ۵۰ کمیته مرکزی با حضور اکثریت بالای اعضای اصلی و علی‌البدل برگزار شد. دستور پلنوم انتخابات و موارد باقیمانده از کنگره بود که به رهبری منتخب حزب واگذار شده بود.

از دستورهای باقیمانده از پلنوم یک قرار و یک سند بود. در مورد سند "آناتومی گذار" پلنوم تصمیم گرفت طی جلسه ای در کمیته مرکزی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در مورد قرار حمایت از اعتراضات دانشجویی بعد از معرفی توسط امیر عسگری و مباحث حول آن، پلنوم به این نتیجه رسید که بجای قرار پیامی خطاب به دانشجویان سوسیالیست و مبارز منتشر شود و جامع تر به موضوع بپردازد.

در دستور انتخابات، برای دبیر کمیته مرکزی رفیق ناصر مرادی به اتفاق آرا انتخاب شد. برای دفتر سیاسی از میان کاندیداها ۱۴ نفر به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند. رفقای منتخب دفتر سیاسی عبارتند از: اسماعیل ویسی، جمال کمانگر، جلال محمودزاده، رحمان حسین زاده، رضا کمانگر، سعید آرمان، سیاوش دانشور، سیوان کریمی، سعید یگانه، شمال علی، صالح سرداری، عبه دارابی، ملکه عزتی و مختار محمدی.

دستور پایانی پلنوم جمع‌بندی و ارزیابی از کنگره یازدهم بود. کل اعضای کمیته مرکزی و علی‌البدل حاضر در پلنوم، از جوانب مختلف جملگی بر موفق بودن کنگره، یک کنگره سیاسی و سطح بالا تأکید کردند و در عین حال روی برخی کمبودهای که قابل اجتناب اند، انگشت گذاشتند. رفقای کمیته مرکزی همین‌طور بر تقویت حزبی و کار متشکل و جمعی برای وظایف پیش روی حزب در دوره خطیر کنونی تأکید کردند.

در دستور مربوط به انتخابات در دفتر سیاسی، سیاوش دانشور به پلنوم اطلاع داد که قبلاً به رفقای دفتر سیاسی اطلاع داده است که بعد از دو کنگره مسئولیت داشتن در پست ریاست دفتر سیاسی، اصولی تر است که رفقای دیگر کاندید شوند. در جلسه دفتر سیاسی که اعضای کمیته مرکزی نیز بعنوان ناظر حضور داشتند، رحمان حسین زاده کاندید پست رئیس دفتر سیاسی به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. برای اعضای هیئت اجرایی از میان کاندیداها رفقا: جلال محمودزاده، سعید آرمان، سیاوش دانشور، سعید یگانه، صالح سرداری و عبه دارابی بعنوان اعضای هیئت اجرایی دفتر سیاسی انتخاب شدند. در جلسه هیئت اجرایی رفیق سعید یگانه به اتفاق آرا بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - ۶ آوریل ۲۰۲۵

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان،

خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری

جهان معاصر دستخوش یک تجدید نظر و شیفت اساسی در بنیادهای سیاسی و اقتصادی و ساختاری و فکری خود است. سیطره جهانی کاپیتالیسم بیش از هر دوره ای، بشریت را در همه سطوح زندگی در تنگنا قرار داده است. برخلاف تصور رایج این تغییرات و شرایط دشوار نه صرفاً از کشمکش خطرناک قدرتهای کاپیتالیستی، بلکه مقدم بر آن از تضاد عمیق و غیرقابل تصور کار و سرمایه، از کارکرد پایه ای و شدیداً استثمارگرانه سرمایه داری علیه طبقه کارگر و میلیاردها انسان فاقد مالکیت، از رقابت و جدال قطبهای سرمایه داری بر سر سهم بردن بیشتر از انباشت سرمایه حاصل کار طبقه کارگر و مزدبگیران به قیمت تحمیل ناامنی و تباهی و جنگ بر بشریت نشأت گرفته است.

۱- بربریت کاپیتالیسم در زورق تکنولوژی و هوش مصنوعی

در قرن بیستم و یکم، در اوج جهانی شدن سرمایه داری در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و عظیم ترین جهش های تکنولوژیکی و انفورماتیک و دستیابی به هوش مصنوعی و ارتقاء سرسام آور بارآوری کار و اشباع دنیا از ثروت حاصل کار طبقه کارگر و مزدبگیران هستیم. با اینحال، مسأله بقاء فیزیکی معضل میلیاردها انسان کارکن و فاقد مالکیت از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پابخت های اروپای غربی و آمریکاست. جنگ و تروریسم و مردم کشی در پنج قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، ملی گرایی و نژاد پرستی، کودک آزاری، زن ستیزی و مهاجر ستیزی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم سرمایه داری و بازار آزاد در جریان است. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. به این ترتیب بربریت کاپیتالیستی را همین امروز بشریت در سراسر جهان با گوشت و پوست و با تلخی تجربه میکند. به طور خلاصه مایه ازاء مشقات سرمایه داری عصر حاضر، در دو قلمرو اساسی مورد تأکید زیر آینده بسیار هولناکی را پیشروی کل مردم جهان گرفته است.

الف: در قلمرو مناسبات کار و سرمایه: افزایش مشقات ناشی از استثمار شدید طبقه کارگر توسط سرمایه، تعمیق حاد شکاف طبقاتی، به نحوی که در هیچ دوره ای از تاریخ نظم سرمایه داری، شدت استثمار کارگر به معنای کسب ارزش اضافه اینچنین شدید نبوده است. در هیچ دوره ای گرفتن سهم کمتر کارگر و مزدبگیران از حاصل کار خود

اینچنین پایین نبوده است. تحولات اقتصادی تعیین کننده، دگرگونیهای عظیم ناشی از افزایش بارآوری کار، جهش بزرگ دستاوردهای بی نظیر تکنولوژیک،

انفورماتیک و هوش مصنوعی به رفاه و سعادت و زندگی بهتر برای طبقه کارگر



جهانی و مزدبگیران تبدیل نشده است. برعکس انقلاب تکنولوژیک نه فقط بر مقهوریت اقتصادی کارگر در برابر سرمایه افزوده است، بلکه اشکال نوینی برای حفظ اقتدار سیاسی بورژوازی فراهم ساخته است. به اسارت بیشتر میلیاردها انسان کارکن در زورق تکنولوژی و هوش مصنوعی به اوج گیری فقر و بیکاری و تبعیض، عدم تأمین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تباهی فیزیکی طبقه کارگر و مزدبگیران منجر شده است.

ب: در قلمرو رقابت و کشمکش پرمخاطره قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی: تشدید رقابت مخرب اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی قطبهای عمده کاپیتالیستی و امپریالیستی، آن هم در بطن "بی نظمی جهانی" ناشی از زیر سوال رفتن ساختارهای اقتصادی، سیاسی و ژئوپولیتیک کاپیتالیستی به ویژه به دنبال فروپاشی بلوک شرق به سطح ویرانگری رسیده است. براین اساس این شرایط چشم انداز بحران و جنگ و تخاصمات در میان قطبهای عمده سرمایه داری در راستای بازسازی و شکل دادن به نظم جهانی کاپیتالیستی، آینده هولناکی را ترسیم میکند. اکنون ما شاهد تغییرات بنیادی در سیمای اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی جهان سرمایه داری هستیم. تغییراتی که تأثیرات عمیقی بر زیست و مبارزه طبقه کارگر و بر شرایط و ملزومات مبارزه برای انقلاب کمونیستی برجای خواهند گذاشت. بشریت در دوره گذار خطرناکی بسر میرود.

۲- دوقطبی کار و سرمایه: قدرت مؤثر طبقه کارگر در شکل دادن به نظم جهانی آتی غیرقابل حذف است

بورژوازی متکی به کل امکانات تحمیق و تحریف و اختناق و سرکوب به شیوه گمراه کننده و با مهندسی افکار عمومی دو قطبی موجود جامعه بشری، دو قطبی پایه ای کار و سرمایه و لاجرم جدال ریشه دار طبقاتی و اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر را به حاشیه میراند. به این ترتیب عامدانه میخواهند مصائب ریز و درشت تحمیل شده توسط سرمایه داری به طبقه کارگر و بشریت و کشمکش دائمی گاه نهان و گاه آشکار کارگران و استثمارشدگان علیه این دو قطبی موجود و ظالمانه محصول سرمایه داری را پرده پوشی کنند، تا نقش طبقه کارگر و استثمار شونده را در شکل دادن به نظم اجتماعی و اداره آن منکر شوند. تاریخاً این بخش مهمی از تقابل سرمایه داری علیه طبقه ما و تحمیل تناسب قوای نامساعد بر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است. به ویژه برای چندین دهه دو قطبی بلوک شرق و غرب کاپیتالیستی بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه پایانی قرن بیستم بشدت در خدمت حاشیه ای کردن دو قطبی کار و سرمایه و جدال طبقاتی ناشی از آن در راستای حفظ نظم مصیبت بار سرمایه عمل کرد. سرمایه داری دولتی بلوک شرق و حکومتهای ضد کارگرش در آن چند دهه با ادعای کاذب "سوسیالیسم" به

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت

انقلاب کارگری ...

این وارونگی دامن زدند که گویا "منافع طبقه کارگر و محرومان جهان" را نمایندگی میکنند. کمونیسم بورژوایی و خرده بورژوایی قرن بیستم و شاخه های مختلف آن، مبلغ و توجیه کننده این وارونگی بودند. در تقابل با این وارونگی همواره تلاش مارکسیستی بر برجسته کردن حقیقت پایه ای دو قطبی ریشه دار نظم سرمایه داری یعنی دو قطبی کار و سرمایه و کشمکش آنها و تأکید بر دو قطبی فقر اکثریت عظیم جامعه و ثروت افسانه ای اقلیت انگل و بر دو قطبی بربریت و یا کمونیسم بوده است. اکنون در بطن تحولات بزرگ جاری در جهان که دوباره مسئله شکل دادن به آینده تحولات جهانی و نظم برآمده از آن مطرح است، ما به مثابه کمونیسم کارگری تأکید میکنیم به حکم شرایط عینی اجتماعی، جدال دو قطب کار و سرمایه، نبرد استثمارشوندگان علیه استثمارگران، جدال و کشمکش طبقاتی که مهر خود را بر همه شئون زندگی طبقه کارگر و بشریت کوبیده، موتور محرکه تحولات تاریخی و اجتماعی است، و بار دیگر طبقه کارگر به شرط سازمانیافتگی و خودآگاهی طبقاتی و سوسیالیستی و اتکا به تحزب کمونیستی روشن بین خود، میتواند نیروی مؤثر در شکل دادن به نظم جهانی آتی و صاحب صلاحیت در اداره جامعه باشد. ما به عنوان طبقه کارگر و کمونیسم کارگری از این واقعیت عظیم اجتماعی نیرو میگیریم و نیروی فعاله این نبرد طبقاتی و سیاسی و تحرک تاریخی هستیم. ما به اینجا متعلقیم و تلاش میکنیم با ساقط کردن نظم سرمایه شرایط اسارتبار حاکم را به نفع رهایی انسان تغییر دهیم.

۳- رقابت خطرناک قدرتهای امپریالیستی، نظم تک قطبی یا چند قطبی؟

با فروپاشی بلوک شرق ساختارهای سیاسی و اداری نظم کاپیتالیستی تاکنونی بیش از پیش زیر سؤال رفته است. رقابت فزاینده ابرقدرتهای اقتصادی برسر سهم بزرگتر از ارزش اضافه به تشدید رقابت و کشمکش جهانی و ژئوپولیتیک قدرتهای امپریالیستی و جنگهای نیابتی و خطر جنگ مستقیم آنها در دنیای بی لنگر کنونی، حیات امروز و آینده بشریت را تهدید میکند. در چند دهه اخیر امپریالیسم آمریکا متکی به متحدان اروپایی و ناتو با تحمیل تروریسم دولتی و جنگ در بالکان و لشکرکشی به عراق و افغانستان و دخالتهای نظامی در قاره آفریقا، نقشه شکل دادن به "نظم نوین جهانی" تحت رهبری یگانه خود بر جهان معاصر را در سر داشت. این نقشه آمریکا با افول اقتصادی و شکست سیاستهای میلیتاریستی و "جنگ پیشگیرانه" ناکام ماند. به علاوه عروج شتابان اقتصادی چین و احیای قدرت طلبی نظامی روسیه معادلات جدال قدرتهای امپریالیستی را به هم زد. براین اساس است که حتی ایدئولوگهای با تجربه تر بورژوایی برخلاف پروپاگاند بلوک غرب و رسانه های مواج بگیشان نه از "وجود نظم جهانی" تحت رهبری واحد، بلکه از "بی نظمی جهانی" و بی ثباتی دنیا صحبت میکنند. در بطن این اوضاع بلوک بندیها و ائتلافهای اقتصادی و سیاسی و نظامی و دیپلماتیک پایدار همچون بلوک غرب و ناتو و ائتلاف شانگهای و یا همکاریهای تازه شکل گرفته چون بریکس و

همکاریهای منطقه ای کنونی هنوز نه نشانه نظم تعریف شده مورد قبول قدرتهای اصلی سرمایه، بلکه تحرکات دوره گذار کنونی در راستای شکل دادن به نظم کاپیتالیستی در آینده است.

هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا علیرغم ناکامیهای تاکنونی باز هم در سودای تحمیل خود به عنوان تنها سرکرده نظم کاپیتالیستی است. در این راستا جنگ در اوکراین و بسیج کردن ناتو پشت سر خود در دفاع از دولت مرتجع و پروناتویی زلنسکی علیه روسیه را به عنوان فرصتی به یاری گرفت. به علاوه عروج تروریسم و جنگ از مقطع هفتم اکتبر ۲۰۲۳ بین حماس و دولت اسرائیل دوباره این فرصت را به دولت آمریکا داد که مثل همیشه و تمام قد در کنار فاشیسم حاکم بر اسرائیل و نسل کشی و ادامه جنگ آن قرار گیرد. باردیگر طرح "خاورمیانه نوین" را از کانال دولت دست راستی نتانیاهو فعال کرده و برای تحقق آن منطقه را به آتش بکشند. در نتیجه جنگ در اوکراین و اکنون تلاش برای ختم جنگ با نقش محوری دولت ترامپ و به فرجام رساندن طرح ارتجاعی "خاورمیانه نوین" اهرمهای مهمی در دست دولت آمریکا در خدمت "احیای رهبری و نظم تک قطبی" مورد نظرش است. این رویای ارتجاعی هیئت حاکمه آمریکا با موانع جدی و از جمله طرح جهان چند قطبی روسیه و شرکاء و با ادعای دولت چین مبنی بر تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی سیاسی حکومتی دنیا در ربع قرن آینده مواجه شده است.

۴- رویارویی آمریکا و چین: جدال بر سر رهبری نظم کاپیتالیستی

بحران محوری در نظم سرمایه داری معاصر، بحران هژمونی و رهبری است. براین اساس کشمکش ها و رقابت اقتصادی سیاسی قدرتهای اصلی سرمایه داری و در رأس آنها آمریکا و چین جهان را به مسیر یک شیفیت بزرگ و یک زلزله سیاسی زیر و رو کننده سوق میدهد. سالهاست سیر نزول موقعیت اقتصادی سیاسی و هژمونیک امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی اش غیر قابل انکار است. در مقابل روند عروج اقتصادی سیاسی چین به قصد تصرف موقعیت اول در اقتصاد و سیاست جهانی قابل مشاهده است. دولت چین به اصطلاح "کمونیست" اما عمیقاً استثمارگر کاپیتالیستی متکی به نیروی وسیع کار ارزان در داخل چین و در آفریقا و آسیا و صدور سرمایه و نیروی کار در کشورهای مختلف جهان، براساس "طرح کمر بند و جاده" پلاتفرم تبدیل شدن به قدرت اول جهان تا سال ۲۰۴۹ مقطع صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین را اعلام کرده است. به این ترتیب در کشمکش قدرتهای جهانی "ابررویاری" حکومتهای آمریکا و چین در ربع قرن آینده فاکتور تعیین کننده آرایش بعدی جهان کاپیتالیستی و چگونگی رهبری آن است. واضح است، رقابت شدید اقتصادی و سیاسی کنونی، جنگ تجاری و تعرفه ها و برسر تکنولوژی هوش مصنوعی بین آمریکا و چین در این سطح باقی نمیماند. هر دو طرف و به ویژه دولت چین هر چند از جنگ بزرگ و یا کوچک و نیابتی زودرس با دولت آمریکا و متحدانش پرهیز داشته باشد، چنانکه طبق "پلاتفرم کمر بند و جاده" ادعای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را بخواهد متحقق کند، ناگزیر با تقابل حاد هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا و متحدانش برای سد کردن بلند پروزیهای جهانی اش روبرو میشود. بی دلیل نیست دولت چین مداوماً زرادخانه نظامی و اتمی اش را تقویت میکند. چون با خطر رویارویی نظامی آمریکا و متحدانش در ابعاد محدود و یا بزرگ روبرو است. مسئله "تایوان" میتواند تنها یکی از بهانه ها به مثابه چاشنی انفجار جنگی بزرگ و ویرانگر میان ارتش چین و متحدانش با ارتش آمریکا و ناتو با همه مصائب آن باشد.

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت

انقلاب کارگری ...

آینده کشمکش و جنگ احتمالی بر سر "نظم تک قطبی و یا چند قطبی جهان سرمایه داری" در گرو کشمکش این دو قطب امپریالیستی تأثیرگذار و تعیین کننده در شکل دادن به "نظم نوین جهانی کاپیتالیستی"، و چگونگی رهبری آن خواهد بود.

۵- خطر فاشیسم در جهان: عروج ترامپ

راست افراطی و راسیسم و فاشیسم در چهاردهه اخیر در سطح جهان و مشخصاً در کشورهای غربی گسترش یافته و قدرتمند شده است. تجارب تاریخی نشان داده است در دوران تشنّت و رکود و بحران سیاسی و اقتصادی نظم سرمایه، دست راستی ترین سیاستها و جریانات بورژوازی از جمله جناحهای راست افراطی و فاشیست عصای دست بورژوازی میشوند. بحران اقتصادی ۲۰۰۷ و پیامدهای آن، آشکار شدن بن بست و ناکارآمدی اقتصاد بازار افسار گسیخته در قالب "تاجریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم" و آنچه خود به عنوان "نئولیبرالیسم" از آن نام میبرند، چنین روندی را بشدت تسریع بخشید. تحرک راست افراطی و پدیده ترامپ و فاشیسم در این دوران از اینجا نشأت گرفته است. اکنون بازگشت دوباره ترامپ به کاخ سفید و تکیه زدن او به بزرگترین قدرت اقتصادی سیاسی نظامی جهان بی تردید خطر رشد فاشیسم در جهان را بیش از پیش تشدید کرده است. پلاتفرم ترامپ با شعار ناسیونالیستی "اول آمریکا" با اقدامات اعلام شده و تاکنون اجرا شده علیه حقوق اولیه شهروندان، سلب مسئولیت از دولت در قبال سرنوشت و زندگی مردم، تشدید تعرض به امکانات رفاهی و اجتماعی و درمانی مردم، بیکار سازی وسیع، ضدیت جنون آمیز با میلیونها مهاجر و پناهنده و بیرون راندن بیرحمانه آنها، تکیه بر قلندری و زور در مناسبات با جامعه و حتی در معادلات جهانی، حمایت بی اما اگر از فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دیگر جریانات راست و فاشیست در سراسر جهان، ارائه طرح غیر متعارف ناسیونالیسم اقتصادی "پروتکشنیسم" و جنگ تعرفه ها و نتایج مخرب آن، دامن زدن به جهالت مذهبی و ناسیونالیستی و پوپولیستی و رایج شدن پروپاگاندا راسیستی مجموعاً تصویری از فاشیسم حاکم در کاخ سفید و از شخص ترامپ به دست میدهد. بی تردید حاکمیت چهارساله فاشیسم متکی به قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا تأثیرات مخربی بر جامعه آمریکا و بر جهان خواهد داشت. همانطور که در چهارساله دولت قبلی اش عقبگردهای جدی به جامعه آمریکا و به جامعه جهانی تحمیل کرد. یکی از پیامدهای بشدت نگران کننده و فوری این روند ارتجاعی گسترش و تقویت ترند فاشیستی در جهان و قدرت گرفتن آنها در بعضی کشورهای اروپا و دنیا و تقلای آنها برای شکل دادن به ساختارها و ائتلافهای جدید اقتصادی و سیاسی و نظامی تا مغز استخوان ضد انسان و خطر تقابل حاد با قطبهای رقیبشان به ویژه با چین و در کانونهای بحرانی موجود به قیمت تحمیل رنج و محنت و تباهی به توده مردم است. تجربه تلخ تاریخی به ما میگوید، فاشیسم به هر نسبت و با هر مدت زمانی که در حکومت باشد، همانند فاشیسم هیتلری قدرت تخریب گری اقتصادی و انسانی و اجتماعی و انسانی

بالایی دارد، اما در همان حال فاشیسم قابل شکست دادن و ضربه پذیر است.

دوره ویرانگری فاشیستی میتواند گذرا باشد چون کل استراتژی و پروژه های ترامپ و دیگر فاشیستها بعد از دوره ای تحرک و ویرانگری تضاد و تناقضات عمیقی با روند پیشرفت اجتماعی و سیاسی و فکری در جامعه دارد. راست افراطی و فاشیسم با انزجار و اعتراض اکثریت عظیم مردم روبرو است. در شرایط جهانی شدن مناسبات تولیدی و اجتماعی و تکنولوژیک و نیاز بشر به همگرایی، شقه شقه کردن صفوف مردم با رجعت به ناسیونالیسم افراطی و جهالت مذهبی و راسیسم و فاشیسم نمیتواند عمر زیادی داشته باشد. به لحاظ اقتصادی جنگ تعرفه ها و "پروتکشنیسم" ترامپی در عصر حاکمیت شرکتهای چند ملیتی و بازار جهانی آینده ای ندارد. مشکل دیگر ترامپ و فاشیسم عروج کرده، این است که هنوز بیشتر نیروهای فاشیست در اروپا و جهان قدرت دولتی را در دست ندارند و به این معنا هنوز ائتلاف حکومتی هم پیمان قوی برای پیشبرد کل پروژه هایشان شکل نگرفته است، هرچند در این مسیر تقلا میکنند. به علاوه حتی در همان بلوک غرب ترند فاشیسم با مخالفین ریشه دار بورژوازی در قدرت و یا بیرون قدرت روبرو است. شکنندگی و ضربه پذیری فاشیسم قابل مشاهده است. مسئله اینست قدرت اجتماعی و نیروی فعاله ای میخواهد که فاشیسم عروج کرده را به مصاف بطلبد و شکستش دهد. در این مصاف در وهله اول طبقه کارگر و مردم حق طلب در آمریکا و در اروپای غربی نقش کلیدی دارند. در عین حال رسالت بشریت مترقی و طبقه کارگر و سوسیالیستها و کمونیستهاى انترناسیونالیست است با حضور فعال در این مصاف شکست راست افراطی و فاشیسم این دوران را به فرجام قطعی برسانیم.

۶- خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین

اوج گیری تروریسم و جنگ بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل و فلسطین و به دنبال آن نسل کشی حکومت فاشیستی اسرائیل در غزه نمادی از آشفتگی و توحش در جهان امروز بود. در صد ساله اخیر خاورمیانه همواره یکی از کانونهای بحرانی تشدید استثمار و ستم و اشغالگری و جنگ و کشتار به ویژه علیه مردم فلسطین بوده است. این شرایط دردناک در خاورمیانه خود محصول دو پدیده زشت ضد انسانی است. الف: ستم و اشغالگری و نسل کشی علیه مردم فلسطین ب: شکاف عمیق فقر و ثروت در منطقه، یعنی از یک سو محرومیت اکثریت عظیم مردم این منطقه از ابتدایی ترین حقوق معیشتی، اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر، انباشته شدن ثروتهای افسانه ای در دست اقلیت مرتجع حاکمان مستبد و دولتهای فاسد. اینها هر دو محصول سیطره سرمایه داری و دخالتها و رقابتهای قدرتهای امپریالیستی در این منطقه است. نسل کشی مردم فلسطین و سرباز زدن از برسمیت شناسی حقوق اولیه این مردم در قالب تشکیل دولت مستقل فلسطینی حتی طبق قرارداد "اسلوی منعقد شده در سال ۱۹۹۳ میلادی" بین طرفین، اکنون پلاتفرم عملی هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل است. بریستر این کشمکش دیرینه و لاینحل ماندن حقوق حقه مردم فلسطین، در مقابل تروریسم دولتی اسرائیل - آمریکا، تروریسم اسلامی همانند حماس و جهاد در فلسطین میداندار شدند. اقدامات تروریستی آنها با حمایت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در مسیر حل مسئله فلسطین نبوده، بلکه در ضدیت با منافع مردم رنج کشیده فلسطین و عملاً بن بست بیشتری را به حل مسئله فلسطین تحمیل کرده است. با دست بالا پیداکردن راست افراطی مذهبی - قومی اسرائیل در دوره شارون و سپس نتانیاهو و همزمان میداندار شدن گروههای تروریستی در غزه (حماس و جهاد اسلامی) پروسه اجرایی کردن قرارداد

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری ...

"اسلو" و تشکیل دولت فلسطینی عملاً نقش بر آب شد. این وضعیت به تداوم اشغالگری و کشتار و بن بست طولانی برسر مسئله فلسطین تبدیل شد. در بطن این شرایط نامساعد رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد.

فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دولت نتانیاهوی متکی به حمایت آمریکا به مثابه غنیمت اهدایی حرکت تروریستی هفتم اکتبر حماس- جهاد را قاپیدند. آنها به دنبال فرصتی بودند، تا نقشه های از قبل طراحی شده هیئت حاکمه و ارتش اسرائیل برای پاکسازی قومی و نسل کشی در غزه و علیه مردم فلسطین را اجرا کنند. همراهی بی اما و اگر دولت آمریکا و هم پیمانان ناتوی اش از دولت و ارتش اسرائیل در نسل کشی مردم غزه، تحمیل جنگ و تروریسم چندین ماهه در لبنان و منطقه و علیه حماس و حزب الله و "محور مقاومت اسلامی"، در عین حال گامی تعیین کننده در راستای شکل دادن به نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه نوین" در واقع خاورمیانه خونین برای مردم این منطقه است.

با شکست ائتلاف ارتجاعی "محور مقاومت اسلامی" به وضوح قطب ارتجاعی تروریسم اسرائیل- آمریکا دست بالا پیدا کرده و قصد تکمیل کردن نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه جدید" را نهایتاً با به تمکین کشاندن و یا حذف جمهوری اسلامی و نیابتی های هنوز رام نشده اش را در سر دارند. اکنون با سرکار آمدن ترامپ فاشیست دولت و ارتش اسرائیل با دست بازتر و با حمایت گسترده تر و محکمتر برای به سرانجام رساندن نقشه خاورمیانه خونین امپریالیستی حرکت میکنند. تحمیل قدر قدرتی بلامنازع امپریالیسم آمریکا با فعال مایشایی دولت فاشیست اسرائیل و نقش "ژاندارمی" آن در منطقه و به خط شدن حکومت های فاسد منطقه پشت سر سیاست های آمریکا اجزای "خاورمیانه نوین" امپریالیستی در ضدیت کامل با منافع و اراده اکثریت عظیم مردم است. تهدیدات ترامپ راسیست برای بیرون راندن نزدیک به دو میلیون مردم از غزه و تصاحب این منطقه توسط دولت آمریکا پرده تکان دهنده و سوپر ارتجاعی دیگر در این راستا است. اکنون صورت مسئله حقوق مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین در این دوره با موانع بسیار روبرو شده است. نه تنها حاکمیت فلسطینی ها بر غزه بلکه بر کرانه باختری در شکل "خودمختاری محدود" فعلی نیز با مخاطره روبرو است. در کل منطقه خاورمیانه نیز ناامنی و بی ثباتی و طرح های سناریوی سیاهی و رژیم چنچی را گسترش میدهند. این چشم انداز سیاه و خونین خاورمیانه برای مردم منطقه و تبعات تکان دهنده آن در چهارچوب بربریت کاپیتالیستی دوره معاصر خواهد بود.

اما طرح ارتجاعی خاورمیانه جدید، مورد نظر آمریکا- اسرائیل با تناقضات و موانع جدی روبرو است، همانطور که در چهاردهم گذشته همین موانع نگذاشته طرح های امپریالیستی به سهولت به سرانجام برسند. پاشنه آشیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در

این حقیقت نهفته است تا زمانی که اولاً مسئله فلسطین و مبارزات حق طلبانه این مردم پاسخ کارساز و عادلانه از جمله با تشکیل دولت مستقل فلسطین نگردد و ثانیاً فقر شدید و استبداد خشن حکومت های مرتجع عمدتاً هم پیمان آمریکا و تروریسم دولتی ادامه پیدا کند، این منطقه کماکان بحرانی و طرح های ارتجاعی به بن بست میرسند. نکته قابل توجه دیگر اینست، شکست و عقب نشینی "محور مقاومت اسلامی" در فلسطین و منطقه نه تنها شکست مردم نیست، بلکه راه باز میکند جنبش حق طلبانه در فلسطین و در کل منطقه با روشن بینی خود را سازمان دهد، به میدان آید و متکی به پلتفرم آزادیخواهانه و اراده طبقه کارگر و سوسیالیست ها و سکولاریست های منطقه طرح های ارتجاعی از جمله طرح خاورمیانه خونین و ضد انسانی آمریکا- اسرائیل را ناکام سازد.

در بطن تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر و بیش از گذشته مسئله کرد برجستگی پیدا کرده است. نزدیک به صد سال است مردم کردستان در چهار بخش تحت ستم شدید و تبعیض دولتهای شونیست و استبدادی قرار دارند. موقعیت جنبش ملی کرد در کشورهای ایران و سوریه و ترکیه و عراق یکی نیست. استراتژی و سیاست های متفاوت بر روند تحرک سیاسی در هریک از بخش های کردستان ناظر است. در همین رابطه علاوه بر سرکوبگری خشن دولتهای سرکوبگر منطقه، ناظر بودن سیاست های ارتجاعی و ناکارای ناسیونالیسم کرد و احزاب اصلی آن بر مبارزه حق طلبانه علیه ستم ملی به نوبه خود مانع مهمی در دستیابی این مردم به حقوق اولیه خود بوده است. در تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر احزاب و جریانات اصلی ناسیونالیسم در صدد همراهی و هماهنگی با "خاورمیانه نوین" میخوانند سرنوشت مردم کردستان و مبارزات حق طلبانه آنها را به همراهی با دولتهای مرتجع در منطقه و نقشه های ضد انسانی آمریکا- اسرائیل گره بزنند. این مسئله بیش از پیش به مبارزه حق طلبانه مردم کردستان برای رفع ستم ملی و همسرنوشتی آنها با امر آزادی در منطقه لطمه میزند. مقابله با چنین روند ارتجاعی و وظیفه جنبش رادیکال و سوسیالیستی متکی به راه حل کارساز و آزادیخواهانه برای پایان دادن به ستم ملی و دیگر تبعیضات اجتماعی است. تجربه حضور موثر ما کمونیستها و جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان ایران در دوره بعد از انقلاب ۵۷ تأکیدی بر این واقعیت است. در هر حال مسئله کرد به یک گره گاه سیاسی مهم در زندگی مردم کردستان، در روند تحولات سیاسی در منطقه و در هریک از بخش های کردستان تبدیل شده است. این مسئله باید به شیوه ای اصولی و عادلانه پاسخ بگیرد. مراجعه به آرای مستقیم مردم برای تعیین سرنوشت خود و مردود اعلام کردن طرح های مختلف از بالای سر مردم قدم اول راه حل کارساز مسئله کرد است.

۷- جهان معاصر و مبرمیت انقلاب کارگری

دنیای معاصر و ساکنین آن به شدت تحت فشار و ستم نظم ضد انسانی سرمایه داری است. پایان دادن به این وضعیت به نقش و حضور آگاهانه و سازمان یافته جنبش سوسیالیستی کارگری، به سازماندهی انقلاب کارگری برای در هم کوبیدن نظم وارونه کاپیتالیستی و سد کردن بربریت این نظام گره خورده است. راه سومی نیست. تنها آلترناتیو و گورکن این نظام وارونه و مصائب آن آلترناتیو کمونیستی و کارگری است. با بن بست و سترونی چپ بورژوا رفرمیست هیچ آلترناتیو بینابینی برای تعدیل و بهبودی در کارکرد سرمایه وجود ندارد. سوسیالیسم کارگری با تکیه بر ظرفیتهای و تواناییهای فی الحال موجود طبقه کارگر و مزدبگیران و ستم دیدگان منتظر از نظم سرمایه و همزمان با فایق آمدن بر

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری ...

دشواریه‌ها و موانع و محدودیتهای موجود در جنبش سوسیالیستی کارگری میتواند ورق را برگرداند. میتواند نظم موجود را تغییر دهد و اراده و اختیار به انسان را برگرداند. با تأکید بر این حکم واقعی خیلی‌ها که حتی دورانی خود را "چپ و سوسیالیست" نامیده‌اند، ما کمونیست‌ها را به "ذهنی‌گری" و یا "ولونتاریسم" متهم میکنند. یادآور میشوند، مگر نمی‌بینید "وزنه کمی پرولتاریا" در کل جمعیت کاهش یافته است، نمی‌بینید "اتحادیه‌های کارگری به حاشیه رانده شده، احزاب کمونیستی در صحنه نیستند، سوسیالیسم شکست خورده"، بزرگ اینها که ذهنیت و نگرششان را فراز و فرود "سوسیالیسم و رفرمیسم بورژوازی" شکل داده، لاجرم صحبت کردن از نقش دگرگون کننده سوسیالیسم کارگری و سازماندهی انقلاب کارگری موضوعیت ندارد.

جنبش کمونیسم کارگری میگوید وقتی که جدال بنیادی میان پرولتاریا و بورژوازی در آغاز نظم سرمایه و در کاپیتالیسم قرن نوزدهم در معدود کشورهای اروپایی کاربست داشته است، باور نکردنی است، بپذیریم در جهان کنونی که در آن سلطه سرمایه به دورافتاده‌ترین نقاط دنیا در هر پنج قاره گسترش یافته موضوعیت خود را از دست داده باشد؟! قضیه برعکس است. اکنون در دنیای واحدهای غول آسای تولیدی، شرکت‌های چند ملیتی، دنیایی که در آن پروسه تولید یک کالای واحد هزاران کارخانه و بنگاه و در ابعاد میلیاردی کارگر را در قاره‌های مختلف به یکدیگر مرتبط میکند. رشد سریع تکنیک، انقلاب الکترونیک و انفورماتیک در دهه‌های اخیر، گسترش بیسابقه کاربست روبات‌ها و سیستم‌های کامپیوتریزه در تولید و توزیع ابعاد وسیعی به خود گرفته است. مبرمیت انقلاب کارگری صدها بار بیشتر از گذشته نیاز زمانه است. واقعیت اینست درصد کمی پرولتاریا، کارگر مزدبگیر و سلب شدگان از هر نوع مالکیت، در سوخت و ساز تولیدی و تولید مدرن نه تنها کاهش نیافته، بلکه پرولتر بودن به شیوه زندگی انسانها در ابعاد میلیاردی در سراسر جهان تبدیل شده است. نه تنها در کشورهای صنعتی پیشرفته و اروپایی و غرب بلکه در تمام کشورهای موسوم به تحت سلطه پیدایش طبقه کارگر وسیع در چند دهه اخیر بافت اقتصادی و معادلات سیاسی سنتی در جامعه را متحول کرده است. بحرانهای سیاسی و تلاطمات و خیزشهای اعتراضی و انقلابی توده‌ای، اعتصابات گسترده کارگری چند دهه اخیر در اروپا و آمریکا و خیزشهای بزرگ توده‌ای در کشورهای عربی و خاورمیانه و آفریقا و آمریکای جنوبی اساساً تلاطم‌های ناشی از تقلا مداوم برای تطبیق روبنای سیاسی سنتی این جوامع با پیدایش طبقه کارگر عظیمی است که خواسته‌ها و انتظارت خود را با صراحت و قدرت روزافزون اعلام میکند.

۸- تحولات بزرگ دنیا و ملزومات شکل دادن به آلترناتیو سوسیالیسم کارگری

واقعیت اینست که هیچ زمان چون امروز تناقض موجود میان نیاز جامعه به تحول کمونیستی و آمادگی شرایط تولیدی برای ساختمان

جامعه مبتنی بر مالکیت اشتراکی با غیبت مطلق نیروی سیاسی سازمانیافته برای ایجاد این تحول، این چنین چشمگیر و برجسته نبوده است. محوری ترین محدودیت تکنونی خلأ رهبری کمونیستی و آلترناتیو سوسیالیستی در رأس تحولات سیاسی، خیزشهای اعتراضی و اعتصابات کارگری و توده‌ای با نقش محوری طبقه کارگر در کشورهای مختلف است. یک علت اینست سوسیالیسم کارگری بعد از چهاردهه از فروپاشی "سوسیالیسم بورژوازی" هنوز از زیر بار تبعات منفی این رویداد کمر راست نکرده است. جنبشهای اعتصابی اعتراضی قوی در میان پرولتاریای کشورهای بزرگ صنعتی دنیا هنوز به افق و پلاتفرم کمونیستی و تحزب سوسیالیستی روشن بین و دخالتگر خود مجهز نشده است. طبعاً در غیاب سیاست سوسیالیستی، سیاستهای غیرسوسیالیستی و بورژوازی متکی به تفرقه ملی و مذهبی و جنسیتی و صنفی و شغلی صفوف طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی ضد سرمایه را شقه شقه کرده است. افق و سیاست انترناسیونالیستی و همبستگی طبقاتی جهانی را به حاشیه رانده است. به ویژه بورژوازی‌ها و راسیست این دوره با اشاعه وسیع و افراطی ناسیونالیسم و خرافه ملی و منافع ملی، طبقه کارگر و مردم ستمدیده را به نیروی ذخیره طرح و برنامه‌ها و جنگ و کشمکش و رقابتهای خود با رقیبان سرمایه تبدیل کرده است. زمینه‌های عینی، اجتماعی و طبقاتی قد علم کردن آلترناتیو سوسیالیستی بیش از هر زمانی فراهم است. اما به میدان کشیدن چنین آلترناتیو نجات دهنده‌ای نیروی فعاله و سازمانده و هدایتگر مناسب خود را میخواهد. تحزب کمونیستی کارگری متکی به ظرفیتهای نظری انتقادی مارکسیستی، متکی به رهبری و کادرهای روشن بین، عجبین شده با جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال، سازمانگر و هدایتگر را میطلبد. در این راستا و در این دوره حساس برای تأمین ملزومات عروج آلترناتیو سوسیالیسم کارگری بر تلاش کمونیستی پیگیر در عرصه‌های زیر تأکید میکنیم:

الف: بیش از پیش دوره سازماندهی و احیای تعرض مارکسیستی به کل پایه‌ها و بنیادها و ایدئولوژی و افکار حاکم بر جامعه سرمایه داری است. برخلاف تمامی نقدهای نیم بند چپ، نقد و تعرض کمونیستی و مارکسیستی نمیتواند و نباید به خصلتهای روبنایی و مقطعی و تاکتیکی نظم سرمایه محدود شود. نقد و تعرض کمونیستی ما دست به ریشه میبرد، لغو کار مزدی و امحای استثمار و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل سرمایه را در دستور کار دارد.

ب- سازماندهی نبرد بی‌امان علیه ملی‌گرایی و هویت ملی و ناسیونالیسم که در این دوران یک بار دیگر زیر لوای "منافع و مصلحت ملی" نه تنها جنگهای ویرانگر راه اندازی میشود، بلکه شنیع‌ترین نوع تبعیضات و تعصبات و تعرض به حقوق اولیه انسان و نژاد پرستی و راسیسم و فاشیسم را در صفوف طبقه کارگر و مردم حق طلب رسوخ میدهند. یک شرط اساسی رهایی طبقه کارگر و بشریت از انقیاد کاپیتالیسم به حاشیه راندن طوق هویت ملی و ملی‌گرایی دست ساز ناسیونالیسم و برملا کردن محتوای طبقاتی خرافه "منافع ملی" به مثابه منافع طبقه حاکمه بورژوازی که ریاکارانه در زوروق "منافع عموم" به جامعه تحمیل میکنند.

پ - پیشبرد سیاست کارگری و کمونیستی علیه جنگهای ضد کارگری و ضد مردمی مستقیم و یا نیابتی جاری قدرتهای امپریالیستی و دولتهای سرمایه داری، علیه تروریسم دولتی و غیر دولتی و نسل کشی و پافشاری بر این واقعیت که طبقه کارگر نباید به نیروی ذخیره جنگ بورژوازی تبدیل شود.

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آینده جهان، خطر فاشیسم و مبرمیت انقلاب کارگری ...

ت - ایجاد و یا تقویت حزب کمونیستی طبقه کارگر برای پیشبرد جدال طبقاتی بی وقفه و سازماندهی انقلاب کارگری در هر جایی که هنوز طبقه کارگر فاقد حزب پرولتری کمونیستی خود است. به علاوه تأکید بر عمل مستقیم کارگری و سازمانیابی حرکت شورایی به عنوان ظرف مبارزاتی و ارگان اعمال اراده قدرت کارگری.

ث - قرار گرفتن در متن و در صف اول مقاومت در برابر تعرض بین المللی بورژوازی به آرمانهای برحق انسانی و دستاوردهای اجتماعی تاکنونی، به میدان کشیدن یک صف بین المللی سوسیالیستی کارگری در جهان پرتلاطم امروز و تلاش برای پیروز کردن سوسیالیسم، تلاش برای شکل دادن به انترناسیونالیسم کارگری و کمونیستی همیشه ضروری بوده و اکنون و در عصر سلطه سرمایه بر جهان مبرمیت بیشتری دارد.

ج - نهایتاً گردآوری نیروی طبقه کارگر خودآگاه، متحد و سازمانیافته به منظور سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری مصاف فوری کمونیستها و یگانه راه رهایی بشریت از فجایع نظم سرمایه است.

۹- تحول سوسیالیستی در ایران

ما بر نقش مهم تحول سوسیالیستی در ایران و تأثیرات جهانی منطقه ای آن واقفیم. به میدان آمدن آلترناتیو سوسیالیستی در همه جا و همزمان و در بطن همه تلاطمات جاری اتفاق نمی افتد. یک روند پراتیکی سازمانیافته و هدفمند را در شرایط مشخص و در جغرافیای معین با محوریت طبقه کارگر آگاه و رهبری روشن بین و سوسیالیست آن میطلبید. همانطور که نمونه تاریخی آن در تجربه درخشان انقلاب کارگری ۱۹۱۷ روسیه اتفاق افتاد. از این زاویه تحول سوسیالیستی در جامعه ایران و نقش چنین تحولی در جدال قطب کارگر و کمونیسم علیه سرمایه داری نه تنها در خود ایران بلکه در سطح خاورمیانه و جهان اهمیت بالایی دارد. همگان میدانند جامعه ایران آستان تحولات سرنوشت ساز و تعیین کننده است. جمهوری اسلامی با بحرانهای مرکب و بن بستیهای بی پاسخ روبرو است. این رژیم رفتنی است. در یک دهه اخیر فوران خشم مردم تشنه آزادی علیه فقر، گرانی و فساد گسترده در خیزش سراسری دیماه ۹۶ و عروج مجدد جنبش عظیم سرنگونی در آبانماه ۹۸، در خیزش انقلابی چندین ماهه سال ۱۴۰۱ بعد از قتل جنایتکارانه ژینا امینی و در اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای خود را نشان داده است. پتانسیل این جنبشها با قصد سرنگونی جمهوری اسلامی موجب تغییر جدی توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم منتظر از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر نیروی فعاله و سازنده تحولات مبارزاتی جامعه ایران است. اکنون بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای

نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. مردم جان به لب رسیده جامعه ایران در نبردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی، به آلترناتیوی متضمن آزادی و برابری و رفاه چشم دوخته اند. این باور که طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری ظرفیت و توانایی ساختن آینده ای به دور از حاکمیت سرمایه و استثمار و تبعیض و نابرابری و تحقق سعادت و رفاه همگانی برای شهروندان را دارد، بیش از پیش توجه جنبشهای اعتراضی رادیکال و محرومان جامعه را به خود جلب کرده است. این نقطه عطف مهمی در مسیر تامین رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع آزادی و برابری و حکومت کارگری و رهایی قطعی کل جامعه از مشقات نظم و ارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی است. لذا با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک جامعه ایران در معادلات جهانی به عنوان یکی از کشورهای مهم سرمایه داری در خاورمیانه، تحول رادیکال و سوسیالیستی و قدرتیابی آلترناتیو کارگری و شورایی در ایران تأثیرات جهانی و منطقه ای مهمی را بدنبال خواهد داشت. توازن قوا را به نفع جنبش طبقه کارگر و صف آزادیخواهی علیه بربریت سرمایه در منطقه و جهان تغییر میدهد. حمایت و سمپاتی افکار عمومی مبارزات حق طلبانه در جهان و منطقه را به خود جلب میکند. نقش مهمی در شکل دادن به آلترناتیو آزادیخواهانه و برابری طلبانه فراکشوری ایفا میکند. شرایط واقعی پایه گذاشتن همبستگی مبارزاتی گسترده و ایجاد انترناسیونالیسم کارگری را علیه بربریت کاپیتالیسم فراهم میکند. در دوره سرنوشت ساز کنونی طبقه کارگر و کمونیسم جامعه ایران با رسالت مهمی روبرو است.

مصوب کنگره یازدهم با اکثریت آراء و دو رای ممتنع
مارس ۲۰۲۵



منصور حکمت را بخوانید

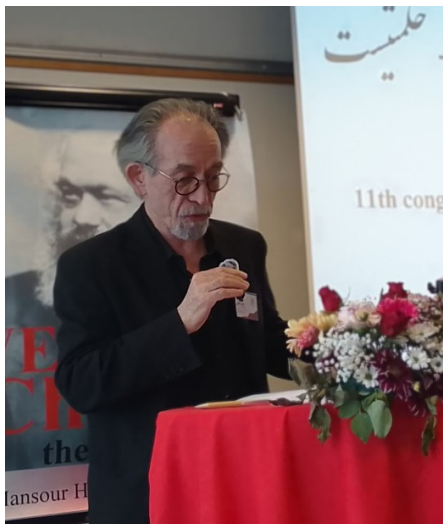
و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

قطعنامه اوضاع سیاسی مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران

اوضاع ملتهب جامعه و سیاست گمونیستی کارگری در باره قدرت سیاسی



اساسی نبرد طبقاتی عمل کرده اند. انقلاب در ایران روی دوش این دو قطب مبارزه اجتماعی تُضح میگیرد و کشمکش طبقاتی و تقابل جنبشها و احزاب سیاسی متمایز نیز حول مسائل اساسی همین جنبشها شکل خواهد گرفت. راست و چپ در مقیاس جامعه نیز اساساً حول این دو محور قطبی خواهد شد و

مشخصات اساسی جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیز سیمای عمومی خود را از این دو جنبش و کشمکش پایه ای در جامعه استنتاج میکند.

۴- سیمای جنبش طبقه کارگر امروز محدود به طرح خواستههای رفاهی است اما بسرعت به موتور محرکه تحول انقلابی بدل میشود. این مشخصه سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه و اختناق زده است که کارگری که مبارزه علنی و رودرو دارد، تحرک و شعارهایش تابعی از تناسب قوا است. جنبش کارگری دارای صفی قدرتمند از رهبران محلی و منطقه ای و سراسری با سندهای مبارزاتی ریشه دار است. مکانیسم ایجاد سازمان و رهبری این جنبش نیز همین اعتراضات جاری است که با ایجاد تناسب قوای مساعدتر اشکال مرکب تری از سازمان و رهبری را بدست میدهد. سنت و جنبش شورائی - کارگری در دل این مبارزات و با اتکا به مجمع عمومی هر روز قوام می یابد. اعتصابات پرشور و گسترده کارگران نفت و گاز، صنایع فلزی، کارگران بخشهای خدماتی، پرستاران، فرهنگیان، بازنشستگان، اعتراضات حاشیه نشینان، نوک کوه یخ قدرت اجتماعی طبقه کارگر را منعکس میکنند. خصلت ویژه این اعتراضات شکستن مرتب تناسب قوا و ترسیم افق و شعارهای طبقه است. طی یکدهه گذشته، اعتصابات کارگری موتور محرکه عروج خیزشهای توده ای و بمیدان آوردن بخشهای گسترده تر جنبش طبقه کارگر بوده است.

۵- جنبش آزادی و برابری زن و مرد، خیزش انقلابی زنانه ۱۴۰۱، مهمترین رویداد در سیاست کشورهای اسلام زده است. در ایران زنان یک آکتور اجتماعی و پیشتاز هر تحول سیاسی اند. در کمتر حرکت انقلابی قرن بیستم زنان اینگونه در قامت رهبر و در مقیاس توده ای ظاهر شده اند. برگرفتن دستجمعی حجاب اسلامی و به

۱- اوضاع جامعه ایران ناپایدار و آبستن تغییر است. سرمایه داری ایران در بحرانهای حاد شده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و محیط زیستی دست و پا میزند. وخامت اوضاع در قلمروهای مختلف بحدی است که دیگر "تشدید بحران" به تنهایی برای توضیح شرایط حاضر کفایت نمیکند. جامعه ایران از جهات مختلف در آستانه یک سقوط و فروپاشی است: فلاکت بیسابقه، فقر مزمن و گرسنگی، اقتصاد و سیستم مالی و بانکی ورشکسته، فساد و ارتشای بی حد و حصر در تمام سطوح، جنایت سازمانیافته حکومتی بمثابه قانون، تبدیل سیاست به هنر آدمکشی و اشاعه دروغ، ورشکستگی تمام عیار ایدئولوژیکی، موج برگشت ضد اسلامی در جامعه، عدم مشروعیت همه جانبه، شکسته شدن دیوار اختناق و کارکردهای کلاسیک ماشین سرکوب، مردمی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، تعمیق انتقاد رادیکال از اوضاع و ناامیدی به هر نوع بهبود در چهارچوبهای قانونی و سیستمی، بی اعتمادی مفرط حاکمان به بقای خویش، تلنبار خشم و پتانسیل اعتراض در جامعه؛ شرایطی که تنها یک عمل رادیکال و بنیان کن معنای تسلی عام آنست. ایران بیش از هر زمان و بیش از هر نقطه جهان آبستن انقلاب است.

۲- اوضاع کنونی حاصل ضربات برآمدهای توده ای و کارگری و ورود جامعه ایران به یکدوره انقلابی است. خیزش توده ای ۱۴۰۱ بنا به محدودیتهای خود نتوانست به انقلابی زیر و رو کننده منجر شود اما آن نبرد شورانگیز جامعه را وارد یک تحول برگشت ناپذیر کرد. کاراکتر اجتماعی آن خیزش انقلابی که اساساً علیه تبعیض و نابرابری و حکومت فقر و فساد بود، خیزش منکوب شدگان و نسل جدید زنان و مردانی بود که دیگر سلطه ننگین ارتجاع اسلامی و استبداد پلیسی سرمایه را نمی پذیرند. سرکوب خونین و دولتهای اعدام و اعمال فقر و فاقه، نتوانست عزم جامعه برای تغییر را درهم شکنند. مقاومت و گردن نگذاشتن، تعرض انقلابی و گسترش مبارزه کارگری، رژیم را فرسوده تر و جامعه را آبدیده تر کرد. بجای حرکتی کور و پوپولیستی، اعتراضات جنبشی با افق رفاه و شعارهای روشن قوام یافت، جای بی سازمانی و سرکوب هر عمل متحد را تاکتیکهای همراهی و سیر رو به پیش سراسری شدن اعتراضات گرفت. مبارزه ضد رژیم صرف جایش را به نقد وضع موجود داد. این تحولی ماهیتاً رادیکال است که در عین حال روندی موثر در جهت تأمین سازمان و رهبری در جنبش توده ای در شرایط اختناق است.

۳- میان اعتراضات و تحرکات وسیع در جامعه، دو جنبش نقش کلیدی و محوری و تعیین کننده داشته اند: جنبش طبقه کارگر علیه فقر و مشقات نظم موجود و جنبش برابری زن و مرد علیه اسلام و قوانین حکومت آپارتاید و سمبل و بیرق آن حجاب اسلامی. این دو جنبش که بالقوه ارکان اساسی یک حرکت عظیم سوسیالیستی اند، بمثابه موتور محرکه کلیه اعتراضات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و دو قلمرو

قطعنامه اوضاع سیاسی مصوب کنگره یازدهم حزب

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران

اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی

کارگری در باره قدرت سیاسی ...

آتش کشیدن این بیرق بردگی زن، آغاز تلاشی برای درهم کوبیدن جنبش تروریستی اسلام سیاسی در ایران، حرکتی پیشروتر و سیاسی تر از جنبشهای حقوق زن در اروپا و آمریکا در دهه های اخیر است. هدف بلافصل خیزش عظیم و توده ای انقلابی زنان و مردان سرنگونی رژیم اسلامی و نظام آپارتاید جنسی و قوانین مترتب برآنست اما به این محدود نخواهد شد. جنبش آزادی زن در ایران یک ستون عظیم حرکت کارگری و سوسیالیستی است که برای یک رهائی همه جانبه ناگزیر است کل بنیادهای ارتجاع و استبداد، کل ارکانهای ستم و تبعیض و نابرابری را درهم بکوبد.

۶- بورژوازی ایران از حکومتی تا اپوزیسیونی، تلاش دارد حرکت انقلابی را عقیم و به شکست بکشاند. حکومتی که دیگر با زدن و بستن و ممنوعیت قابل دوام نیست، بناگزیر به دیگر نیروهای طبقه اش متکی میشود. با شکست افق سیاسی جناحهای اسلامی حکومت، ناسیونالیسم و فاشیسم و قومگرایی میدان فراخ تری می یابد. وقتی بورژوازی به روشهای قدیم نمیتواند صفوف انقلاب و مبارزه ضد سرمایه داری را منکوب کند، راساً سرنگونی طلب و حتی "انقلابی" میشود، برای ایجاد انشقاق در صفوف مبارزه انقلابی و مصون داشتن ارکانهای نظم کهنه، "طرفدار حقوق زن و حقوق کارگر و امر آزادی" میشود. جناحهای مختلف بورژوازی امر رهائی و آزادی را به دموکراسی و پارلمانتاریسم و فدرالیسم و انتخابات آزاد فرومیکنند، نقد اجتماعی کارگر و کمونیسم به نظم موجود را به نقد مدیریت و احیای تخصص و ایجاد کار و برسمیت شناسی فرمال حقوق بدیهی کارگر تنزل میدهند، با زنان علیه حجاب و جداسازی جنسیتی هم آوا میشوند اما از برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد استنکاف میکنند، از سوئی بر طبل شوونیسم و فاشیسم ذاتی نظم موجود می کوبند و از سوئی از تقسیم قدرت میان ناسیونالیستها و فدرالیسم و عدم تمرکز سخن میگویند، بورژوازی سیاست هویتی قومی مذهبی را جای هویت انسانی و طبقاتی و جهانشمول میگذارند. بورژوازی در دوره انقلابی از مصادره شعار و اهداف انقلابی ابائی ندارد اما برای کسب قدرت به روشهای کلاسیک انتقال قدرت از بالا، اشکال کودتائی و "رژیم چنجی"، ممانعت از دخالت شهروند و کارگر از سیاست متکی میشود. جنبشهای متفرقه بورژوائی در دوره انقلابی برای احیای نظم و بازسازی دولت ضد انقلابی تلاش میکنند. دست بدست کردن قدرت سیاسی هدف کلیدی بورژوازی در دوره بحران است.

۷- رژیم اسلامی پوسیده و گندیده است. حکومت و جناحهای متفرقه اش جملگی امتحان پس داده اند و در اوضاع حاضر کارتی برای بازی در آستین ندارند. نه اصلاح طلبی حکومتی محلی از اعراب دارد، نه سازش موقت و عقب نشینی راه به تمکین کشاندن مردم است، نه

سازش و بند و بست با غرب و شرق محمل یک گشایش سیاسی و اقتصادی است، نه از سیاست تنش منطقه ای و انتقال بحران اثری باقی مانده است و نه سیاست گفتاردرمانی توان کنترل انفجار محتوم را دارد. بن بست حکومتی همه جانبه و لاعلاج است؛ یافتن راهی برای نجات نظم و اعاده نظم به تنها پلاتفرم بورژوازی حکومتی و بیرون حکومتی بدل شده است. تغییر در بالا و پائین، هردو، ضروری و حتی اجتناب ناپذیر شده است.

۸- صورت مسئله اساسی جدال جاری در ایران برسر قدرت سیاسی و تعیین سیمای نظام آتی است. جدال چپ و راست در مقیاس جامعه خود را در جنگ آلترناتیوها منعکس میکند. آلترناتیو بورژوازی، مستقل از مختصات و قالبی که بخود میگیرد، آلترناتیوی برای اعاده نظم کهنه و بازسازی قدرت ضد انقلابی بورژوازی است. آلترناتیو کارگری، مستقل از اشکالی که میتواند در دوره انقلابی بخود بگیرد، آلترناتیوی علیه نظم کهنه و استقرار یک نظم نوین کارگری و سوسیالیستی است. مسئله رهبری در دوره انقلابی یک موضوع کلیدی است اما مشکل امروز جامعه ایران پیدا کردن یک رهبر کاریسماتیک نیست، بلکه سرنگونی با پرچم چپ یا پرچم راست و لاجرم انتخاب این یا آن افق سیاسی در مقیاس جامعه است. برخلاف دوره های پیشین اینبار طبقات و جنبشهای طبقاتی با راه حلهای متمایز مقابل هم صف آرایی کرده اند. دو افق، دو آینده، دو جنبش، جنبش راست و بورژوائی یا جنبش طبقه کارگر و کمونیسم، نیروهای اصلی و تعیین کننده سیاسی اند. جدال جاری در ایران برسر اعاده وضع موجود و بازسازی کاپیتالیسم یا انقلاب علیه نظم استبداد و استثمار و تبعیض سرمایه داری است.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بمثابة یک نیروی معرفه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، حزب انقلاب کارگری، حزبی ضد مذهبی و ضد اسلامی، حزب نماینده آمال و آرزوهای دهها میلیون زن و مرد و نسل جدید است. حزب حکمتیست در تحولات جاری برای بیدار کشیدن طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی، برای درهم کوبیدن کلیت جمهوری اسلامی و نظم کاپیتالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و استقرار یک حکومت کارگری در ایران مبارزه میکند. یک شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر سازمانیافته تحت پرچم سوسیالیستی اش در این کشمکش حضور یابد. برای ایجاد هر تغییر برآستی انقلابی باید بدو از قدرت حاکم خلع ید کرد و قدرت سیاسی را بکف آورد. نبرد اساسی تازه بعد از سرنگونی برای تعیین تکلیف آینده آغاز میشود. حزب برای بسیج و سازماندهی نیروی پیروزی انقلاب کارگری و کمونیسم در ایران تلاش میکند.

کدام سناریوها محتمل اند، حزب برای چه سناریونی باید آماده باشد؟

تداوم روند انقلابی: محتمل ترین روند در ایران امروز برآمدهای مجدد توده ای و کارگری در اشکال پخته تر و رادیکال تری از تجارب تاکنونی است. آنچه در افق است سرنگونی انقلابی و پتانسیل عظیم انقلاب کارگری است. ماتریال اجتماعی این روند صفوف گسترده و معترض جنبش طبقه کارگر، اعتراض بیوقفه زنان و نسل جدید است. حزب باید برای این روند و گرفتن ابتکار عمل توسط جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر خود را آماده کند و سیاست و تاکتیکهایش را اساساً حول این سناریو بچیند و تبیین کند. در ایران عنصر قهر انقلابی بیش از پیش جا پیدا کرده و با استقبال مواجه میشود. حزب حکمتیست باید

قطعنامه اوضاع سیاسی مصوب کنگره یازدهم حزب

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران

اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی

کارگری در باره قدرت سیاسی ...

مظهر و نماینده این قهر انقلابی برای درهم شکستن قهر ضد انقلابی بورژوازی باشد.

رژیم چینج و حمله نظامی: قدرتگیری ترامپ به امیدواری اپوزیسیون بورژوازی ایران (سلطنت طلبان، مجاهدین، ناسیونالیسم قومی) برای تغییر رژیم افزوده است. سیاست هیئت حاکمه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی با ترامپ تغییر ماهوی نمیکند اما با تغییراتی از جمله اعمال فشار اقتصادی و تنگناهای بیشتر مواجه میکند. تشدید تحریمها بعنوان اعمال فشار برای مذاکره و معامله در دستور است. سیاست سازش و معامله با ج ۱ در دوره ترامپ بیشتر از دوره دمکراتها است و تلاش برای مذاکره از هر دو سو و رسیدن به توافقی در جریان است. دو فاکتور مهم برای مذاکره و توافق، تمایل و فشار فراکسیون پروغربی در حکومت ایران از اصلاح طلب تا طیفهای مختلف درون و حاشیه و بیرون حکومت است. این طیف گسترده است و در ایندوره یک آپشن رژیم برای وقت خریدن است. فاکتور دیگر اینست که ایران با لیبی و افغانستان و سوریه تفاوت دارد. در ایران یک طبقه اجتماعی قوی به نام بورژوازی داخلی به مدد جمهوری اسلامی شکل گرفته که زمان پهلوی هم نبود. این بورژوازی در مقابل مطلق العنانی سیستم مقاومت و رژیم را وادار میکند پای میز مذاکره بنشیند. سیاست این بخش در مقابل سیاست فراکسیون پرورشق بورژوازی اسلامی است که هنوز تلاش دارد در همین سیستم کارش را راه بیاندازد. ممانعت از دسترسی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی سیاست قدیمی تر آمریکا و دول غربی است و در صورت شکست مذاکرات، تحریمها تشدید میشود و امکان حمله نظامی مشترک اسرائیل و آمریکا به سایتهای اتمی و تعدادی از زیرساختهای اقتصادی وجود دارد. اما هدف چنین اقدامی تغییر رژیم و سرنگونی نیست بلکه تضعیف شدید توان رژیم و تسهیل سیاست مهار و تسلیم آنست.

تغییر در درون رژیم: امکان تغییر در آرایش رژیم و اشکال استحاله و کودتائی بخشهایی از حکومت برای یکپارچه کردن قدرت و معامله با غرب برای نجات نظام و یا بدست دادن ترکیبی برای دولت انتقالی از احتمالات قویتر است که تحت فشار مبارزه در پائین و تشدید بحران حکومتی در بالا جلو صحنه می آید. ترکیبی از بدنه حکومت و حاشیه حکومت و اپوزیسیون بورژوازی که ضمن حذف یا کنار زدن لایه ای از مقامات هم سیمای "تغییر" را بدهد و هم فشار جامعه را "کنترل" کند. پیروزی و دوام چنین پروژه ای در ابهام جدی قرار دارد. هر عقب نشینی حکومت به تعرض و پیشروی جامعه ترجمه میشود. این شکلی از دولتهائی است که در دوره انقلاب ۵۷ آمدند و رفتند و عمر کوتاهی داشتند.

سناریوی سیاه: عواملی واقعی در جامعه امکان مساعد یا نامساعد برای سناریوی سیاه هستند. از جمله امیدواری مردم به تغییر و گسترش مبارزات فرجه را برای امکان سناریوی سیاه ضعیف کرده است. مشخصه اساسی یک سناریوی سیاه، سلطه عنصر استیصال عمومی در جامعه است. بطور ابژکتیو چنین مشاهدهای وجود ندارد. در عین حال، چه بازماندگان از رژیم اسلامی بعد از فروپاشی و سرنگونی و چه نیروهای دست راستی و فرقه‌ای فاشیست و قومی و مذهبی و حمایت‌شان از میلیتاریسم و خانخانی نظامی، مخاطره مهمی است که هنوز جامعه مصونیت کامل در مقابل آن ندارد. سناریوی سیاه اولین امکان و افق پیش روی جامعه نیست، اما بعنوان یک مخاطره در دوره سرنگونی باید در محاسبات سیاسی و تاکتیکی بطور جدی جا داشته باشد. حتی تضعیف رژیم اسلامی و از دست دادن کنترل آن در مقیاس کشور، به تحرک دولتهای منطقه از جمله ترکیه و قطر و پاکستان و تسلیح نیروهای قومی و سلفی میدان میدهد.

حزب باید مخاطرات دوره سرنگونی را حتی در شرایط کاملاً انقلابی مد نظر داشته باشد و برای مواجهه با آن در جامعه مصونیت ایجاد کند. یک احتمال هم اینست که تناسب قوای سیاسی میان نیروهای درگیر بگونه ای باشد که تفوق نسبی یک جنبش معین را تضمین نکند و نوعی قدرت چندگانه شکل گیرد. در این حالت امکان یک روند ترکیبی بدرجات مختلف وجود دارد. یعنی احتمالاتی که برشمردیم میتوانند در یک تلاقی امکان وقوع داشته باشند. این دقیقاً وضعیتی است که قدرت مرکزی رژیم بر اداره کشور سست میشود. در چنین اوضاعی کشورهای منطقه بویژه ترکیه و قطر و پاکستان بنا به سابقه و منافعشان به تسلیح اسلام سلفی و قومگرایی میدان دهند. همینطور بورژوازی پرو غرب در داخل برای جلوگیری از نابودیش، وارد سازش تمام عیار با غرب بشود. امری که در چنین شرایطی حمایت حکومتی ها و جناحهای متفرقه سرمایه را خواهد داشت. همزمان جنبش انقلابی و نیروهای رادیکال از این فضای خلأ قدرت استفاده کنند و به هر درجه ای که میتواند قدرت خود را مستقر کنند. یعنی در یک فضای بی شکلی و خلأ قدرت امکان وقوع سناریوهای مختلفی در ابعاد متفاوت وجود دارد. اینکه کدام دست بالا را پیدا میکند، دقیقاً تابعی از دخالتگری و آمادگی اردوی انقلابی و رادیکال جامعه است. در خلأ قدرت سیاسی، عاملیت و قدرت پائین دستش جلوی ساختار حاکم بازتر میشود و میل تغییر در چنین شرایطی سهل تر میتواند ماشین سرکوب را زمین بزند.

خط مشی تاکتیکی و چه باید کرد حزب در دوره کنونی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست استراتژی و خط مشی تاکتیکی خود را حول دو ستون اساسی پایه ریزی میکند: اول، قدرتمند کردن حزب با هدف حضور مستقل در صحنه سیاسی بمثابه پرچمدار کمونیسم کارگری در ایران در جدال برسر قدرت سیاسی. دوم، همکاری با اردوی سوسیالیست برای تقویت جناح چپ جامعه با هدف سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و منزوی کردن جناح راست جامعه و راه حلهای آن.

این دو ستون مجموعه ای از استنتاجات و اقدامات سیاسی، عملی، حزبی و تشکیلاتی در مقابل ما میگذارد که رهبری منتخب حزب باید به آنها بطور مشخص جواب دهد و بخشاً در سند اولویتهای حزب به سرخط آنها اشاره شده است.

قطعنامه اوضاع سیاسی مصوب کنگره یازدهم حزب

دورنمای سرنگونی و انقلاب کارگری در ایران اوضاع ملتهب جامعه و سیاست کمونیستی

کارگری در باره قدرت سیاسی ...

در قلمرو تاکتیکی خطوط زیر ناظر بر سیاست حزب در دوره انقلابی اند:

- الف- نمایندگی استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست ها از جنبش ها و صفوف بورژوازی.
- ب- جدال بر سر انتخاب سوسیالیسم و افق انقلابی در جامعه. ظاهر شدن بمثابه قدرت آلترناتیو و کابینه کارگری.
- پ- استقرار قدرت حزبی و کارگری هرجا و به هر درجه ممکن؛ در کارخانه ها و مراکز کار، در شهرها و محیط زندگی، با اتکا به شوراهای مسلح، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی حزب.
- ت- علیه بند و بست نیروهای راست از بالای سر مردم. نه قاطع به آلترناتیو بورژوازی. علیه خاکریزهای بورژوازی در دوران گذار مانند "مجلس موسسان" و "مجلس ملی". خط نه به پارلمان، برای حاکمیت شوراها.
- ث- درهم شکستن نقطه سازشهایی که در سیر مبارزه مردم طرح میشوند. تقابل بیوقفه با ناسیونالیسم و ملی گرایی، با پوپولیسم و اپورتونیسم، علیه سیاست ارتجاعی "همه باهم" و "آشتی طبقاتی".
- ج- سیاست سرنگونی هر دولت بورژوازی تا درهم کوبیدن کامل ماشین دولتی و ارکان قدرت بورژوازی.

چ- تسلیح عمومی کارگران و اردوی انقلاب برای دفاع از دستاوردهای مبارزه انقلابی. ایجاد سازمانهای دفاع از خود بمثابه ستون فقرات میلپس توده ای.

ح- شکل دادن به دولت برآمده از قیام بمثابه دولت قیام کنندگان، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری.

هیچ زمانی مانند امروز جامعه ایران دچار گسست طبقاتی و لاجرم تنش تند طبقاتی نبوده است. هیچ زمانی مانند امروز جنبش کارگری در سیاست ایران و روندهای اعتراضی قدرتمند نبوده است. هیچ زمان مانند امروز در کشورهای نوع ایران انقلاب کارگری بعنوان راه حل و امری ضروری و مبرم در افق نبوده است. کارگر برای پیروزی در این تحولات ناچار است بمثابه نماینده تمام آزادی، نماینده تمام برابری، نماینده تمام رهائی ظاهر شود. اما طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کل جامعه را از قید بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند. این امر تنها با کمونیسم کارگری ممکن است. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده پرشور این کمونیسم است.

کنگره یازدهم حزب، رهبران کمونیست طبقه کارگر و کارگران مبارز، زنان جسور و انقلابی و سوسیالیست ها را به اتحاد تحت پرچم کمونیستی حزب فرامیخواند. پیش بسوی انقلاب کارگری و سوسیالیستی! پیش بسوی استقرار اولین حکومت کارگری در قرن بیست و یکم در ایران!

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به اتفاق آرا
مارس ۲۰۲۵





جامعه ایران در آستانه تحولات مهم: جهت

گیری و اولویتهای حزب حکمتیست

(مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست)

-ترسیم تمایز و نقد شفاف گرایشات رفرمیستی و غیر سوسیالیستی در میان کارگران وظیفه مستمر گرایش کمونیستی طبقه کارگر و حزب ما است.

۲- حزب در کردستان:

-موقعیت کمونیسم و حزب ما در کردستان یک اهرم قدرت بزرگ این حزب است. در نقشه ای هدفمند این موقعیت را باید فعالتر کرد.

الف - انرژی و توان رهبران و شخصیتهای اجتماعی این حزب در کردستان و نسل جوان کمونیستهای موجود این بخش حزب مبتکرانه و فعالتر باید بکار بیفتد. تشکیلات کردستان حزب متکی به سند پایه ای مصوب خود باید جوابگوی همه وجوه مبارزه طبقاتی اعم از مبارزه اقتصادی و سیاسی و نظامی در جامعه کردستان باشد.

ب - تشکیلات کردستان باید مبتکر تنگ کردن عرصه بر جمهوری اسلامی در کردستان و الهام بخش اعتراضات رادیکال و حق طلبانه کارگران و مردم باشد. کنترل محلات و خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از اقدامات مهم در این رابطه است.

ج- به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان. خنثی کردن نقشه ها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست.

د - به دست گرفتن فعال پلاتفرم حزب برای رفع ستم ملی و حل مسئله ملی.

ه - سروسامان دادن به پتانسیل نظامی حزب به عنوان بخش مهم و لاینفک قدرت نظامی توده ای به عنوان اهرم قدرتمند دفاع از خود مردم در مقابل خطر سرکوبگری نظامی دولتهای مرکزی و یا اعمال فشار جریانات مسلح ناسیونالیست و مذهبی مافوق مردم.

و- تقویت و ادامه همکاری مؤثر تشکیلات کردستان حزب در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان و با کومه له- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران.

۳- تامین حضور مؤثر در جنبش آزادی زن:

- توده ای کردن معنای پیروزی جنبش آزادی زن در ایران. همکاری با نیروهائی که در این امر ذینفعند. ایجاد سازمان زنان حزب بر اساس پلاتفرم و اهداف این جنبش. به علاوه شرکت و کمک به شکل گیری سازمانهای توده ای زنان. اختصاص نیرو و فعال کردن ظرفیتهای رهبری و کادرهای سرشناس و با تجربه حزب در جنبش آزادی زن.

۴ - تقویت جنبش رادیکال و سوسیالیستی در دانشگاهها و در میان نسل جوان

جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگ و سرنوشت ساز است. جنبش های چپ و راست با آلترناتیو سیاسی طبقاتی خود برای تثبیت جهتگیری سیاسی و کوبیدن مهر خود بر این تحولات در تکاپویند. براین اساس، جنبش طبقه کارگر و صف متمایز کمونیستی کارگری هم میتواند و باید مهر خود را بر این وضعیت بکوبد. ما میخواهیم تحولات مهم و تعیین کننده جاری مسیر یک تحول انقلابی را در پیش بگیرد. این امر تماماً به نقش عنصر فعاله کمونیسم طبقه کارگر و حزب کمونیستی دخالتگر و مدعی قدرت سیاسی گره خورده است.

برای ایفای این نقش، حزب حکمتیست بر ظرفیتهای و تواناییهای مهمی از دستاوردهای سیاسی و سازمانی و پراتیکی چهار دهه اخیر مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری تکیه دارد. درعین حال با چشمان باز کمبودها و نارساییهای سیاسی و سازمانی و سبک کاری موجود را می بیند و خلاقانه برای فایق آمدن بر محدودیتهای موجود تلاش میکند. در این راستا کنگره یازدهم حزب بر جهت گیری و اولویتهای زیر تأکید اساسی دارد.

۱ - تامین حضور فعال در ابعاد مختلف مبارزات طبقه کارگر:

الف- ظاهر شدن حزب به عنوان مرجع صاحب نظر در برخورد به معضلات واقعی زندگی و مبارزه کارگری. فوکوس محوری بر مسائل گرهی اتحاد و سازمانیابی پرولتاریای صنعتی ایران.

ب- تعقیب گام به گام و فعال مبارزات اقتصادی و سیاسی بخشهای مختلف کارگری. جمع بندی و بررسی آنها و بیرون کشیدن درسها و تجارب آن و انتقال آن به میان کارگران. فوکوس بر خواسته های اساسی کارگری در هر دوره.

ج- در عرصه سازمانیابی توده ای کارگران تمرکز ویژه بر دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و سازماندهی شورایی، مصوبه پایه ای حزب ما "شورا، مجمع عمومی، سندیکا" مبنای هویتی کار سازماندهی توده ای ما در میان کارگران است. در این راستا بدست دادن سیمای سازمان شورائی جامعه، ساختمان شوراها در مراکز کار و محلات و شهرها، ارائه شوراها بمثابه قدرت مستقیم توده ای و آلترناتیو پارلمانتاریسم اعمال قدرت بورژوازی از بالای سر مردم. به علاوه از اشکال دیگر سازمانیابی توده ای امثال اتحادیه و سندیکا و ... که با اتکا به نیروی کارگران و مستقل از دولت ایجاد میشوند، حمایت میکنیم و در رشته های پراکنده کارگری خود مبتکر سازماندهی آن خواهیم بود.

د- بخش عمده ای از طبقه کارگر ایران بیکار است. با اندک تغییرتناسب قوا سازمانیابی این بخش مهم طبقه ما ضرورت عاجل پیدا میکند. متشکل کردن بیکاران امر مشترک کارگران شاغل و بیکار است. در این جهت بر سازماندهی و تقویت جنبش اتحاد کارگری علیه بیکاری تأکید میکنیم.

جامعه ایران در آستانه تحولات مهم: جهت

گیری و اولویتهای حزب حکمتیست ...

- تلاش جدی برای متشکل کردن نسل جوان کمونیست که بیش از پیش به عنوان مدافع روشن بین طبقه کارگر در جامعه و در دانشگاهها ابراز وجود میکند. تسهیل قرار گرفتن نسل جوان در موقعیتهای کلیدی کار حزب.

۵- خارج کشور:

- نمایندگی کردن صدای اعتراض طبقه کارگر و اعتراض رادیکال جامعه ایران در خارج کشور. حضور موثر و مبتکرانه در آکسیونهای اعتراضی و کمپینهای مبارزاتی رادیکال در خارج کشور. گسترش سازمان حزب و عضو گیری از میان علاقمندان. استاندارد کردن و ارتقاء فعالیت سازمان حزب اعم از کمیته ها و مجمع اعضا در خارج کشور. تأکید بر موازین حزبی و تقویت حزب و حزبیت. حمایت فعال از مبارزات کارگران جهان و تلاش برای ایجاد روابط موثر با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی.

۶- طرد و ایزوله کردن جنبش بورژوایی و راست:

- مبارزه بی امان علیه همه پرچمها و نیروهای بورژوایی اعم از ناسیونالیسم پروغرب، ملی مذهبیها، جریانات سناریو سیاهی و ناسیونالیست محلی، فدرالیستها، و جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد. مقابله سراسر با سناریوی سیاه دخالت آمریکا و غرب برای ایران و پروژه های رژیم چنی و سیاست ضد انسانی همگامی جنبش راست و چپ بورژوایی با آن. ادامه تقابل آشکار و بی ابهام با سیاستهای ارتجاعی جنبش راست در دفاع از سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی و فضا سازی جنگی و تهدیدات نظامی.

۷- برخی اقدامات و پروژههای سیاسی و عملی:

متحقق کردن خط مشی و اولویتهای بالا در گرو پراتیک رهبری و مشخصاً پیگیری اقدامات و پروژه های پایین است.

در راستای تأمین رهبری رادیکال و کمونیستی در تحولات انقلابی:

الف - توده ای کردن معنای سرنگونی انقلابی تقویت آلترناتیو کارگری شورایی در جنبش سرنگونی و در بطن مبارزات کارگری و توده ای. در همین جهت تلاش برای عملی کردن جدی بیانیه سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مصوب کنفرانس استکھلم نیروهای چپ و ادامه فعالیت موثر در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست سراسری. ب - در بطن مبارزات جاری و با در نظر گرفتن تناسب قوا تدقیق شعارهای تاکتیکی و متحدکننده مصوب حزب در هر دوره. در شرایط حاضر به طور مشخص توده ای کردن شعارهای علیه فقر و تبعیض، علیه اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و تأکید بر شعار تاکتیکی و بسیج کننده آزادی، برابری، رفاه همگانی بسیار ضروری است. به علاوه ما همواره برای توده گیر کردن شعار پایه ای، آزادی، برابری، حکومت کارگری و شعار جمهوری سوسیالیستی به عنوان حکومتی که باید با

سرنگونی جمهوری اسلامی برقرار شود، تلاش میکنیم. ج - تلاش جدی برای تقویت و شکل دادن به شبکه رهبری سوسیالیستی در رأس جنبش کارگری و جنبش توده ای و هدایت کننده تحولات انقلابی در جامعه.

د- تأمین حضور فعال رهبری و شخصیتها و اتوریته های اجتماعی و سیاسی و نسل جوان حزب ما در بطن مبارزه دایمی جنبش طبقاتی.

ه- ارتقاء کارایی رسانه های حزب به ویژه تلویزیون، شبکه های اجتماعی و دیگر امکانات اتصال و اتکای حزب به جامعه.

و- تقویت سازمانیابی کمونیستی و بنیاد گذاشتن پایه های حزب در درون جنبش طبقه کارگر، منسجم کردن، متشکل و متحزب کردن گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر. اتکا به محافل رهبران عملی کارگری و اجتماعی و تقویت شبکه محافل رهبران عملی در محیط کار و زیست برای گسترش مبارزه و بنیاد نهادن پایه های حزب.

ز- آموزش مارکسیسم در صفوف حزب و به طور ویژه آموزش و بازخوانی مبانی پایه ای کمونیسم کارگری. شکل دادن به یک شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در حزب.

ح - مالی: گسترش امکانسازی مالی، تدوین ابتکارات جدید، سروسامان دادن به سازمان مالی و اختصاص نیروی بیشتر به این عرصه.

مصوب کنگره یازدهم با اکثریت آراء و دو رای ممتنع

مارس ۲۰۲۵



پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بکف آورد

کارگری و سوسیالیستی، به حرکتی برای آزادی جامعه بدل شود. امروز جنگ برای سرنوشتی رژیم اسلامی و درهم کوبیدن حاکمیت جهل و تبعیض سرمایه، بر ایفای نقش تاریخساز طبقه کارگر و کوبیدن مهرش بر تحولات ایران تاکید میکند. همه بر نقش و جایگاه طبقه کارگر در تحولات جاری واقفند و همه منتظر "غول خفته" طبقه کارگرند تا کمر ارتجاع سرمایه را بشکنند و بر زمین بکوبد.

رفقای کارگر، همزمان!

اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری، خواست افزایش دستمزد و تامین دستمزد مکفی و مقابله با فقر و فلاکت عنان گسیخته، اعتراض به تبعیض و گرانی، همصدائی گسترده برای حق سلامتی و آموزش و بهداشت، مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، ایران را به جامعه اعتراضات پیشرو و آزادیخواهانه بدل کرده است. تغییر تناسب قوای سیاسی، به همان درجه که تاکنون ممکن شده است، حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی هزاران محفل و شبکه رهبران عملی کارگری و فعالان سیاسی - اجتماعی است. سراسری شدن اعتراضات کارگری در شکل رشته ای و متعاقب آن ایجاد هم جبهتی و همزمانی وسیع تر بخشهای مختلف جنبش کارگری و مردم معترض در خواستها و شعارها، پیشروی شایانی است که تاکنون بدست آمده است. اعتصابات و اعتراضات شکوهمند بخشهای مختلف جنبش کارگری، اگرچه با هزینه زیادی برای پیشروان این مبارزات تمام شده است، اما به سهم خود شرایطی را برای دخالته گسترده و انقلابی طبقه کارگر فراهم کرده است که ابتکار عمل سیاسی را در دست بگیرد و امر سرنوشتی حکومت اسلامی را به نفعی تمامیت نظم سرمایه ارتقا دهد.

سوال اصلی برای طبقه کارگر ایران در جامعه ملتبه کنونی تنها تحقق خواسته های بلافصل نیست بلکه فتح سنگرهای جدید و از نظر سیاسی در راس جنبش عمومی قرار گرفتن برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. تحقق کامل همین خواسته های بلافصل نیز به ابراز وجود قویتر طبقه کارگر در مقیاس جامعه گره خورده است. در این دوران سرنوشت ساز کارگران بیش از هر زمان به تشکل و تحزب، به راه حل طبقاتی بمثابه آلترناتیو حکومتی نیاز دارند. در دوره حاضر جنبش کارگری توانسته است با اتکا به مجمع عمومی و عمل مستقیم توده کارگران، خلاء ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری را بدرجه ای جبران کند و به نیازهای مبارزه کارگری جواب دهد. ضروری و مبرم است که این مسیر آگاهانه دنبال شود. گسترش مجمع عمومی، شکل دادن به یک جنبش مجمع عمومی بعنوان ستون فقرات و پایه جنبش شورائی کارگری، نیاز بلافصل امروز و ایجاد پایگاه های قدرت کارگران است. کارگران در مبارزه جاری و در کشمکش برسر قدرت سیاسی به حزب سیاسی خود نیاز دارند. حزبی که نماینده دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری با پرچم سوسیالیستی است.

کارگران کمونیست و پیشرو، محافل رهبران عملی مبارزات کارگری!

هزاران اعتصاب و اعتراض و تغییر فضای سیاسی در

این حقیقت که جنبش کارگری ایران یکی از تاثیرگذارترین و پر تحرک ترین جنبشهای اجتماعی جامعه ایران است، یک آگاهی عمومی است. این حقیقت که مبارزات جنبش کارگری ایران موتور محرکه و شکل دهنده به خواسته های عادلانه و آزادیخواهانه در کلیت حرکتها و اعتراضات جامعه است، یک فاکت است. برآمدهای توده ای در یک دهه گذشته، نه فقط یک نتیجه اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری بوده است بلکه خود وجهی از اعتراض طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بوده اند. برآمد توده ای دیمه ۹۶ اساسا اعتراض محرومان بود، برآمد آبان ۹۸ از محرومترین لایه های کارگران و مناطق و محلات کارگری شکل گرفت، برآمد توده ای ۱۴۰۱ که زنان نقش خودیژه در آن داشتند، مهر سیاستهای انقلابی و اعتراضات کارگری را برای رفع تبعیض و خواست برابری بر خود داشت. سرکوب این جنبشها نیز اساسا از فرزندان کارگران قربانی گرفت و کارگران از اولین اعدامی های آن بودند.

حدود ۴۸۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری زمینه ساز خیزش ۱۴۰۱ بود. در متن خیزش این آمار بدلیل شرایط سرکوب تقریباً نصف شد اما در سال ۱۴۰۲ به حدود ۴۰۰۰ اعتراض و اعتصاب رسید. در سال ۱۴۰۳ دامنه اعتراض و اعتصاب هفتگی و سراسری گسترش یافت و به کلیدی ترین صنایع ایران رسید. زمینه خیزش های توده ای را مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر در مراکز بزرگ و متوسط صنعتی، فرهنگیان، پرستاران و کادر درمان، کارگران پیمانی و رسمی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، جنبش آزادی زن، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه از تبعیض و ستم فراهم کرده است.

سرکوب خونین برآمد توده ای ۱۴۰۱، رکوردشکنی در اعدام، بازداشت دهها هزار معترض، سیاست تشدید فقر و هجوم به سفره خالی کارگران، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و ارزان سازی مستمر نیروی کار، خصوصی سازی ها و بالا کشیدن صندوق های بیمه و اندوخته های کارگران، سرکوب خشن اعتراضات کارگری و شلیک به صف اعتراض کارگران، نتوانسته است جنبش کارگری را از تعرض و اعتراض باز دارد. کمتر کشوری در جهان هست که اعتصاب کارگری مانند ایران جریان داشته باشد. این در شرایطی است که سرکوب لجام گسیخته، ممنوعیت احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری، حق شهروندان برای تشکل و ابراز وجود سیاسی ممنوع است و هر تلاش آزاداندیشانه برای بهبود و تغییر با سد دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی روبرو میشود.

این جنگ با افت و خیز مواجه است اما زنده و جاری است و هرآینه از گوشه دیگری بروز میکند. جامعه ایران در کشمشی بیوقفه برسر بهبود شرایط غیر قابل تحمل زندگی و تغییر اوضاع موجود است. سرنوشتی نظم حاکم به مسئله محوری و بستر اصلی سیاست ایران بدل شده است. اینبار برآمد توده ای میتواند بمراتب کارگری تر و رادیکال تر باشد. میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده اجتماعی، به یک انقلاب

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به

جنبش کارگری ایران

طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت

سیاسی را بکف آورد ...

ایران محصول تلاش سازمانگرا و درایت سیاسی شماسست. دوره حاضر باید دوره عروج و عرض اندام شما بعنوان رهبران سراسری مبارزه اجتماعی و طبقاتی باشد. تقویت و انسجام شبکه های کنونی در هر کارخانه و رشته معین تا ایجاد اتحادهای وسیع تر فرافابریکی، امر و تخصص شماسست. مبارزات توده ای محرومان و زحمتکشان علیه فقر و فلاکت و تبعیض و زن ستیزی، تنها میتواند با هدایت سیاسی و دخالت آگاهانه پیشروان طبقه کارگر و رهبری حزب کمونیستی طبقه کارگر دورنمای پیروزی داشته باشد. دخالت مبتکرانه شما هم ضامن پیروزی جنبش توده ای برای سرنگونی است و هم برای رفع استبداد و استثمار و نفی هر نوع ستم و تبعیض، به یک رهبری سراسری و عملی در جدال جاری شکل میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بخشی لاینفک از مبارزه جاری کارگران برای بهبود و تغییر و حزبی برای واژگونی نظم سرمایه داری بعنوان مسبب مشقات کنونی است. فراخوان ما اینست که متحزب شوید، با تکیه به شبکه محافل کارگری و رهبران عملی و واقعی کارگران، پایه های یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند را ایجاد کنید و به کمتر از کسب تمام قدرت و ایجاد یک حکومت کارگری رضایت ندهید. طبقه ای که هر روز جامعه را روی دوش کار و تولید خویش بازتولید میکند، خود نیز میتواند آنرا اداره کند. برای کنترل مراکز کار و کارخانه ها آمده شوید. باید هر خلاء قدرت را با قدرت کارگری پر کرد و این قدرت را پایه قدرت سراسری در حکومت انقلابی و کارگری قرار داد.

رفقای کارگر، پرستاران و کادر درمان، معلمان و فرهنگیان، بازنشستگان، رهبران عملی و اجتماعی کارگری و مبارزات توده ای، مردم رنجیده و منکوب شده تحت حاکمیت سرمایه، زنان و مردان آزادیخواه و ضد تبعیض، این حزب شماسست! نبض این حزب با جنبش طبقه کارگر و امر آزادی جامعه میزند و قوت و ضعف آن تابع افت و خیز این جنبش است. ما در این جنگ و نبرد طبقاتی علیه کلیت بورژوازی مرتجع در یک سنگریزیم. طبقه کارگر برای آزادی باید قدرت سیاسی را بدست گیرد. کارگران برای آزادی ناچارند کل جامعه را از قید ستم و استثمار و تبعیض آزاد کنند. کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزات درخشان و تلاش قهرمانانه شما درود میفرستد. برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

مصوب کنگره یازدهم به اتفاق آراء

مارس ۲۰۲۵



پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

برای سرنگونی نظام آپارتاید جنسی، بسوی یک برابری سوسیالیستی!

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب درود میفرستد. بیش از چهار دهه است که رژیم ضد زن اسلامی و منادیان از گوربرخاسته اش علیه ابتدائی ترین حقوق ما تعرض میکند. تهاجم به زنان و تلاش برای عقب راندن جامعه از همان روزهای اول انقلاب ۵۷ با فرمان تحمیل حجاب از جانب خمینی مرتجع آغاز شد. اما پاسخ را در تظاهرات بزرگ روز زن در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ با شعار؛ "ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم" و "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" دادیم. استقرار رژیم آپارتاید روی دوش سرکوب خونین زنان برای تحمیل حجاب اسلامی، اخراج و پاکسازی، بازداشت و اعدام هزاران زن انقلابی میسر شد. سرکوب زنان گوشه ای از سرکوب خونین این انقلاب بود. اما آن اعتراض به جنبش آزادی زن شکل داد، این جنبش در مقاطع مختلف قدم به قدم رژیم اسلامی را عقب راند و در خیزش زنانه ۱۴۰۱ به جهانیان نشان داد که زنان و جامعه ایران حکومت اسلامی نمیخواهند. ما دستجمعی حجاب برداشتیم و این سبمل تحقیر و فرودستی زن را به آتش کشیدیم. رژیم زن کش با قتل مهساها، ساریناها، نیکاها، آیلارها، و دیگر زنان و مردان انقلابی موقتاً از خطر جست اما نتوانست دستاوردهای ما را پس بگیرد. نتوانست عزم ما را برای آزادی و برابری و نفی آپارتاید جنسی به عقب براند.

این گوشه ای از قدرت ما بود که در روزهای داغ خیزش انقلابی آخوندها جرأت حضور در خیابان و انظار عمومی را نداشتند، اما روی دوش سرکوب مجدداً در شیپور تحمیل حجاب دمیدند، جنایتکارترین عناصرشان مانند رادان ها را علیه زنان بمیدان آوردند، اما لایحه "حجاب و عفاف" شان را به بایگانی سپردند. حکومت مستأصل اسلامی از وحشت زنان و برآمد مجدد جامعه عقب رفت و امروز علیرغم زن آزاری موسمی خیابانی، حجاب دوفالکتو لغو شده است. اما این تنها دستاورد ما نبود، فرهنگ برابری در جامعه گسترش یافت، نسلی از زنان و مردان شورشی بمیدان آمدند، جهانیان دریافتند که خیزش انقلابی زنانه در ایران از پتانسیل قوی برای تغییرات بنیادی برخوردار است. کاراکتر اجتماعی این جنبش، از جمله برابری طلبی و انسانگرایی عمیق، آنتی اسلامیسیم و ضدیت با هر قانون منعبت از مذهب، ضدیت با آپارتاید جنسی و سبمل آن حجاب، مدرنیسم و رادیکالیسم در فرم اعتراض، آنرا از جنبشهای معاصر حقوق زن متمایز میکند. این جنبش علیه فرهنگ و اخلاقیات مردسالار است، علیه هر نوع ستم و تبعیض است اما در جستجوی "هویت دیگر" و تقدیس هویتهای قسمتی و کاذب نیست. حقوق برابر میخواهد و خواهان یک برابری همه جانبه و رهاییبخش است. جنبش آزادی زن در ایران با حجاب سوزان و نفی هر آنچه که ضد زن است، دست اندر کار ساختن تاریخ نوینی در ایران است و پیروزیهای تاثیرات ماندگاری در کشور های اسلام زده و تقویت روندهای سکولار برجای میگذارد.

آزادی بطور کلی و آزادی زن بطور اخص، امری جنسیتی نیست. آزادی زن بطریق اولی تنها امر زنان نیست، امری اقتصادی و اجتماعی است. سوال برسر برابری زن و مرد بمثابه انسان است. هدف تحقق برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی است. تلاش برای الغای کلیه قوانین ضد زن و نفی نظامی است که در ستمکشی زن ذینفع است. تلاش برای تامین امنیت و حقوق زن در جامعه و در خانواده، نفی خشونت در تمام سطوح و ارتقای فرد و جامعه است. سوال برسر پیروزی همه جانبه در جنگی دیرین است که امروز به مرحله تعیین کننده رسیده است. مسئله زن یکی از محوری ترین مسائل اجتماعی جامعه ایران است که امر برابری و رفع تبعیض هدف عمومی آن و نفی حجاب اسلامی و نظام آپارتاید جنسی هدف بلافصل آنست. جنبش آزادی زن با این مشخصات از همان ابتدا جنبشی علیه حاکمیت ضد زن رژیم اسلامی و امروز بیش از هر زمان جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رفع تبعیض براساس جنسیت است. ما بر این امر قویا پای می فشاریم که برای نفی قطعی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و برای تحقق برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی اجتماعی، باید نابرابری بنیادی در نظام سرمایه داری را ریشه کن کنیم. در ایران رهائی سوسیالیستی زن به رهائی سوسیالیستی جامعه گره خورده است و به این اعتبار جنبش رهائی زن یک رکن مهم جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

امروز با عزم راسخ اعلام میکنیم؛ حجاب اسلامی نمیخواهیم! دست آخوند و اسلام و فرهنگ پوسیده مردسالار و سرمایه از سر زنان کوتاه! زن ستیزی و زن کشی دهن شآن بشریت است و باید بمثابه سنگین ترین جرائم تلقی شود! امنیت و حرمت و آزادی زن باید فوراً تامین و تضمین شود! منتهاست که موقعیت واقعی و اجتماعی زن در جامعه در تناقضی عمیق با موقعیت برده وار قانونی آن قرار دارد. ما زنان و مردان انقلابی بمیدان آمدیم تا بساط تحقیر و بردگی و جهالت را برچینیم. اما باید کار ناتمام را تمام کنیم. باید در اشکال مختلف متشکل شویم. ضروری و مبرم است که زنان سوسیالیست و پیشرو در شبکه های کمونیستی متشکل شوند. این لایه از زنان پیشرو و انقلابی ضامن پیروزی این جنبش با یک پرچم چپ اند. باید معنای پیروزی از نظر ما روشن باشد و به افق سراسری جنبش بدل شود. نباید اجازه دهیم جنبشهای دست راستی از اعتراض زنان به نفع بازسازی وضع موجود و احیای فرودستی زن در اشکال نوینی بهره جویند. برای ایجاد سازمانهای توده ای زنان با اتکا به شبکه های مبارزاتی مان نقشه مند گام برداریم. تصور یک جامعه آزاد بدون آزادی زنان ممکن نیست. هیچ تحول انقلابی بدون حضور قدرتمند زنان بفرجام نمیرسد.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست برای آزادی و برابری بیقید و شرط زن و مرد مبارزه میکند و بخشی لاینفک از این مبارزه پرشور میلیونی است. در این نبرد دورانساز برای زیر کشیدن حاکمیت آپارتاید جنسی، برای نفی نابرابری و کلیه قوانین ضد زن، حزب حکمتیست همسنگر شماسست. کنگره یازدهم حزب اعلام میکند که آینده از آن شماسست. بار دیگر ضمن ارج نهادن به تسلیم ناپذیری و جسارت شما زنان و مردان آزادیخواه، از فعالین سوسیالیست و پیشروان جنبش آزادی زن دعوت می کنیم برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر به حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بپیوندید!

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به

زندانیان سیاسی

زندان؛ دژ ارتجاع و قتل عمد دولتی،

سنگر مقاومت و "نه به اعدام"!

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به تمام زندانیان سیاسی؛ به فعالان جنبش طبقه کارگر برای رفاه و آزادی، به مبارزین رفع تبعیض و نابرابری، به زنان جسور ضد آپارتاید و تبعیض جنسیتی، به آسرای برآمدهای توده ای و انقلابی که در شکنجه گاه ها و زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند، صمیمانه درود می فرستد.

آنچه ما کمونیست ها و جنبشهای پیشرو طی سالهای طولانی گفته ایم و بران پای فشرده ایم، امروز حقایق مسلم و آگاهی عمومی است. این واقعیت که جمهوری اسلامی وصله ناجور به جامعه ایران است و علیرغم استبداد خشن و سرکوب عریان هیچوقت نتوانست جامعه ایران را اسلامیزه کند. این حقیقت که حکومت اسلامی نه خواست مردم بلکه ضد انقلابی بود که برای به شکست کشاندن انقلاب و مواجهه با تغییر انقلابی به جامعه ایران تحمیل شد. این حقیقت که مردم آزادیخواه ایران مانند اکثریت مردم در کره خاکی یک زندگی بهتر میخواهند و در نبردی دائمی با نظام فقر و فلاکت و تبعیض و اختناق اند.

زندان دژ ارتجاع سیاسی و مرکز ثقل قدرت نظامهای استبدادی است. در جامعه سرمایه داری، اگر زرق و برق توخالی مجالس و پارلمان و قوانین را کنار بزنید، به زندانها و قوه قهریه و ماشین سرکوب بمثابه

ارکان اساسی نظم استثمارگر سرمایه داری میرسید. امروز این دژ ارتجاع و دستگاه اجرای قتل عمد دولتی، به سنگر مبارزه و اعتراض به سرکوب و "نه به اعدام" بدل شده است. زندان در طول تاریخ حکومتهای استبدادی همواره یک عرصه مبارزه و مقاومت بوده است، اما در کمتر جای جهان با چنین پدیده منحصر بفردی روبرو بوده ایم. این یک نتیجه تمایلات و روندهای ریشه دار در یک جامعه خواهان تغییر است. ورق برگشته است و ماشین خونین شکنجه و اعدام دیگر نمیتواند عزم قدرتمند ما برای آزادی را بزانو درآورد. گذشت زمانی که زندان خونین سرکوب مردم را ماتم زده کند. این مردم آزادی میخواهند، زندگی میخواهند، آینده میخواهند، برابری میخواهند، علیه تبعیض و سرکوب و استبداد و استثمارند. جامعه ایران سراسر صحنه نخواستن است. اعتراض و اعتصاب مانند آتش زبانه می کشد. روزی که جنبش انقلابی درب زندانها را بشکند و زندانیان را با قدرت خویش آزاد کند نزدیک است. روز برپائی دادگاه های عادلانه و علنی برای محاکمه جنایتکاران نزدیک است. روز اعلام پیروزی بر ارتجاع اسلامی سرمایه و لغو اعدام و شکنجه نزدیک است. شما زندانیان و مبارزین از سازندگان این حقیقت تاریخی هستید.

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به شما عزیزان و مبارزین صفوف آزادی و برابری درود میفرستد. قلب ما با شماست، دست شما عزیزان را میفشایم و بزودی همراه هم جشن شکوهمند آزادی را برپا میکنیم.

کلیه زندانیان سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصوب کنگره یازدهم به اتفاق آرا

مارس ۲۰۲۰

پیام سازمان گرایش انترناسیونالیست انقلابی ایتالیا به کنگره ۱۱ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Dear comrades of the Worker-communist Party of Iran-Hekmatist

I thank you for your invitation to your Congress, to which it is not possible for me to participate.

We are at a turn of history. Capitalism in its imperialist development is showing its ruthless, barbaric face. The Trump administration is starting a chain reaction of commercial wars and rearmament through Europe and Asia, its "peace" in Ukraine, if it ever comes, will be a peace of robbery, following the war of robbery between the U.S., European and Russian imperialists, paid by Ukrainian and Russian proletarians with hundreds of thousands dead and wounded, destructions and displacement of 14 million people. In Gaza and the West Bank the most the most systematic destruction of a whole region in history and ethnic cleansing are perpetrated by the Zionist state of Israel with the support of the Western countries. In Sudan and Congo millions have been killed by opposed armies supported by rival states.

It is urgent to connect anti-capitalist, internationalist organizations, to fight against rearmament and war, against all imperialist camps, in the West and the East (not forgetting that the main enemy is at home), and build a proletarian-internationalist camp worldwide to overthrow capitalism. Italy's Revolutionary Internationalist Tendency is working to this purpose together with other organizations in several countries, and we wish that your Congress can contribute in this same direction. Internationalism will also give strength to the opposition movement against the repressive, exploitative capitalist regime in Iran.

Best wishes for a successful Congress!

Roberto Luzzi

For the Revolutionary Internationalist Tendency - Italy (TIR)

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

رفقا با درودهای گرم و صمیمانه، از دعوت به کنگره حزبتان تشکر می‌کنیم و آرزوی کنگره‌ای موفق با دستاوردهای پیش برنده برایتان داریم.

کنگره ۱۱ حزب شما در شرایطی برگزار می‌شود که بحران ساختاری نظام سرمایه داری و تشدید رقابت قدرت های سرمایه‌داری برای گسترش مناطق نفوذ، مناسبات این قدرت ها در سطح جهان و در کانون‌های مختلف این بحران به ویژه در خاورمیانه بشدت تغییر کرده و جهان را با مخاطرات روز افزون‌تری روبرو کرده است. این بحران ها و اوضاع پرتلاطم جهان، دو پدیده اجتماعی و گرایش متضاد یعنی گسترش مبارزات کارگری و رشد جریان های راست افراطی و فاشیستی را همزمان و به موازات هم رشد داده است.

نظام سرمایه‌داری غیر از تشدید استثمار و فقر و فلاکت اقتصادی و جنگ و ناامنی و نابودی محیط زیست هیچ چشم اندازی برای برون رفت از این بحران ها ندارد. دولت های سرمایه‌داری نه فقط در قبال تأمین کار و زندگی و امنیت شهروندان از خود سلب مسئولیت کرده‌اند، بلکه بیش از پیش به ابزار تعرض سرمایه به کار و معیشت کارگران، تعرض به آزادی های سیاسی و ارزش های انسانی و دستاوردهای اجتماعی تبدیل شده‌اند.

تحت این شرایط، اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه تعرض دولت ها به کار و زندگی و معیشت کارگران، جنبش جهانی همبستگی با مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل و حامیان آن در ناتو، جنبش ضد آپارتاید نژادی و جنسیتی، جنبش دفاع از محیط زیست و مقابله با تعرض دولت ها به آزادی های سیاسی و امید به ساختن جهانی بهتر، جهانی آزاد و برابر را زنده نگه داشته، بستر مناسبی برای گسترش فعالیت سوسیالیستی در سراسر جهان فراهم آورده است.

رفقا در چنین شرایطی و بر بطن جنبش های اجتماعی در ایران تحت حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی شرایط بهتری برای ما کمونیست ها و نیروهای چپ فراهم شده است. رژیم ایران یکی از ارکان بقایش یعنی "محور مقاومت" را از دست داده و تحت فشارهای داخلی و بین المللی در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد و موقعیت مناسب تری برای پیشروی جنبش های اجتماعی فراهم آمده است. لذا وظیفه ما کمونیست ها در این شرایط این است که باید اولویت مان تلاش و همکاری بیشتر بر بستر یک استراتژی روشن برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کمک به سازمانیابی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و شکل دادن به رهبری سیاسی سراسری باشد. همکاری چند سال اخیر ما در قالب "شورای همکاری" هم در سطح سراسری و هم در کردستان، اگر چه قدم مثبتی در راستای پاسخگویی به این نیاز مبارزاتی و طبقاتی است، اما ناکافی است و باید گسترش یافته و فراگیرتر شود.



امیدواریم کنگره ۱۱ حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بتواند گامی مؤثرتر در راستای همکاری‌های مشترکمان در اوضاع خطیر سیاسی کنونی بردارد.

مجدداً برایتان آرزوی کنگره ای موفق داریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۹ مارس ۲۰۲۵



پیام به کنگره حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

رفقای گرامی حزب حکمتیست

حضرار گرامی

قبل از هر چیز برایتان کنگره‌ای موفق آرزو می‌کنیم. کنگره‌ای که در شرایط سیاسی پرتحولی برگزار میشود. امیدواریم این کنگره به نیازهای این دوره مبارزه در ایران هر چه بیشتر پاسخگو باشد.

شرایط ویژه و بیسابقه‌ای در ایران ایجاد شده است. از یک سو جمهوری اسلامی در اوج بحران و بی‌افقی دست و پا می‌زنند، در منطقه شکست بسیار سختی متحمل شده، در سطح جهانی منفور و منزوی است و مهمتر اینکه در داخل کشور ضربات کوبنده‌ای از مردم خورده و شکاف‌های درونی‌اش بسیار عمیق‌تر شده است. و از طرف دیگر مردم بویژه از مقطع انقلاب زن زندگی آزادی پیشروی چشمگیری کرده‌اند و عقب‌نشینی‌های مهمی به حکومت تحمیل نموده‌اند. حجاب اسلامی و اجباری که یکی از بنیادهای مهم سیاسی و ایدئولوژیک حکومت است و از بدو سر کار آمدنش تمام نهادها و ارگان‌های خود را برای تحمیل آن به زنان بسیج کرده بود، به تمام معنی شکست خورده است. دیوارهای آپارتاید جنسیتی بویژه در همین هفته‌های اخیر در بسیاری شهرها و در بسیاری مراسم‌ها و تجمعات در هم شکسته، سنت‌ها و راه و رسم‌های عقب‌مانده مذهبی که آن نیز یک رکن مهم حاکمیت جمهوری اسلامی است جای خود را به فرهنگ مدرن و غیر مذهبی داده است، اعتراضات حول مسائل معیشتی ابعاد بیشتری یافته و بحران عمیق اقتصادی زمینه را برای گسترش مبارزه در این عرصه و به میدان آمدن قدرتمند طبقه کارگر بیش از پیش فراهم کرده است. در چنین شرایطی همبستگی میان بخش‌های مختلف مردم عمق بیشتری یافته و تلاش برای متشکل شدن از همیشه بیشتر شده است. بر بستر این پیشروی‌ها روحیه مبارزاتی مردم و خوشبینی برای در هم شکستن



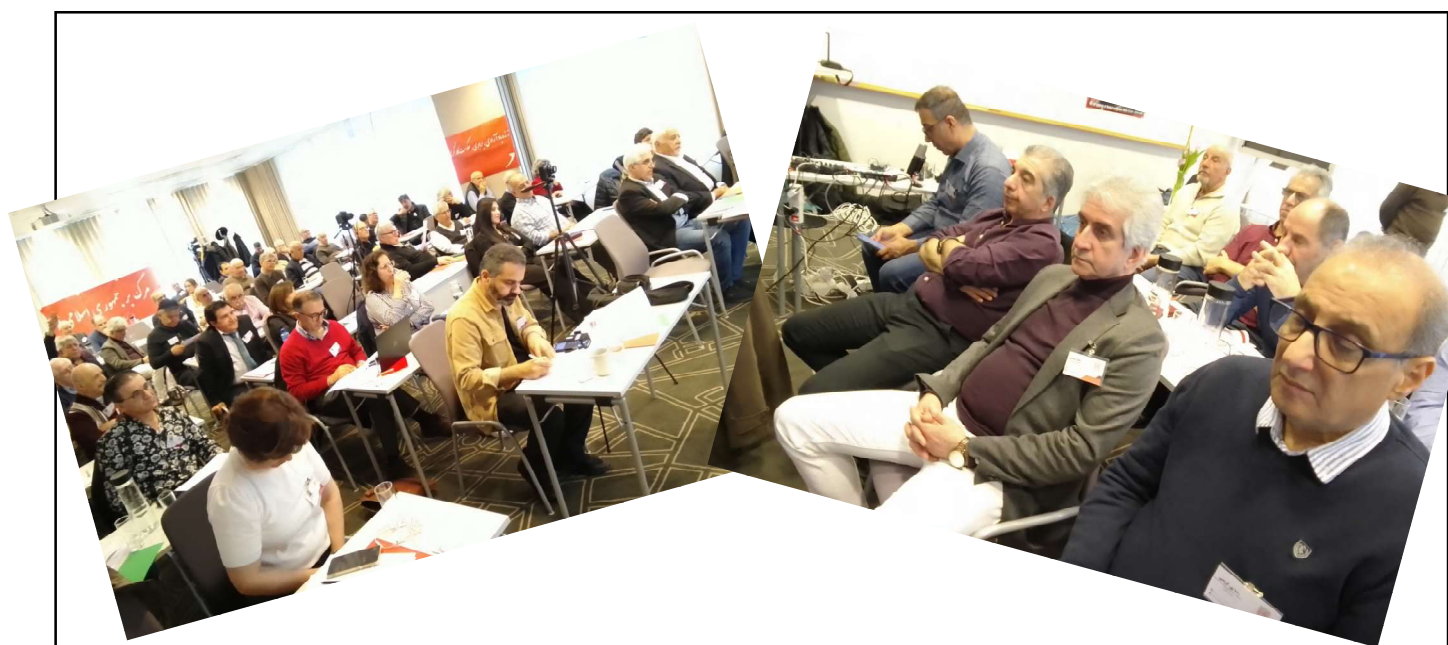
بساط حکومت تقویت شده و فعالین بسیار زیادی در عرصه‌های مختلف مبارزه به جلو صحنه آمده‌اند.

این فاکتورها وضعیت ویژه‌ای در جامعه ایجاد کرده و نوع جدیدی از اتحاد و همبستگی میان فعالین آزادیخواه و سرنگونی‌طلب بوجود آورده، وظایف تازه‌ای روی دوش جریانات کمونیستی و انقلابی قرار داده و نوع جدیدی از فعالیت را از همه ما طلب می‌کند. امیدواریم کنگره شما بتواند قدم‌های موثری در این راستا و برای تقویت این فضا ایجاد کند. ما به سهم خود و با توجه به این شرایط آماده همکاری و فعالیت مشترک میدانی و دیدارهایی در سطح رهبری دو حزب به منظور ایجاد هماهنگی و همسویی سیاسی بیشتر هستیم.

برایتان کنگره بسیار موفقی آرزو می‌کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ فروردین ۱۴۰۴، ۲۹ مارس ۲۰۲۵



پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

با گرمترین درودهای کمونیستی
رفقای عزیز!

یازدهمین کنگره حزبی‌تان در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی در پی شکست‌های پیاپی داخلی و خارجی با بزرگترین بحران‌های دوران حیات خود دست به گریبان است. بحران‌هایی سخت و شکننده که هیئت حاکمه را به سردرگمی و گذران روزمرگی «از این ستون تا به آن ستون فرجی است» کشانده است.

همزمان با شکست‌های پیاپی و ناتوانی حاکمیت در برون رفت از وضعیت موجود، هم اینک بحران افسارگسیخته رکود - تورمی، گرانی مواد خوراکی و کمبود دارو، دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان و کاهش واقعی دستمزدها، چنان وضعیت فلاکت‌باری را برای طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش رقم زده است که رهایی از این فلاکت و بدبختی جز با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، براندازی نظم پوسیده سرمایه‌داری و استقرار نظم نوین سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست.

برای تحقق چنین اهدافی است که کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر به اعتصاب و مبارزه‌ای پیگیر با طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن روی آورده‌اند. همگام با کارگران، زنان، معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، پرستاران و دیگر لایه‌های اجتماعی نیز در گستره‌ای وسیع مطالبات خود را در کف خیابان‌ها فریاد می‌زنند.

در این میان اما، زنان شجاع ایران با برخورداری از تجربه مبارزات خیابانی سال‌های اخیر، هم‌اینک یکی از پیشگامان مبارزه علیه حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی هستند. زنان قهرمانی که در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در صف مقدم مبارزات مردم قرار گرفتند و در این مسیر با دلاوری و جان‌فشانی‌های تحسین‌برانگیزی جمهوری اسلامی را به زبونی و استیصال کشانده‌اند.



با این همه و به‌رغم مبارزات تاکتونی کارگران و زنان و عموم توده‌های مردم زحمتکش که به‌طور روزانه شاهدش هستیم، طبقه کارگر ایران اما کماکان از پراکندگی رنج می‌برد و فاقد هرگونه تشکیلات سازمان‌یافته سراسری است. امری که بدون دستیابی به آن، گسترش اعتصابات کارگری، سراسری شدن مبارزات توده‌ای و چشم‌انداز پیروزی انقلاب اجتماعی در هاله‌ای از ابهام خواهد بود. بر کسی پوشیده نیست، تحقق یک چنین امری، تنها با کوشش مبارزاتی پیشروان طبقه کارگر، تلاش همه احزاب، سازمان‌ها و نیروهای چپ و کمونیست برای رسیدن به وحدت طبقاتی و سازمان‌یابی مستقل طبقه کارگر امکان‌پذیر خواهد بود.

رفقای عزیز!

سازمان فدائیان (اقلیت) برگزاری یازدهمین کنگره حزبی‌تان را به شما تبریک می‌گوید. با این امید که کنگره تان با موفقیت پایان یابد و نتایج آن متناسب با شرایط دوران انقلابی حاکم بر جامعه، گام دیگری برای تقویت و همکاری بیشتر احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست باشد.

روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت)

۳ فروردین ۱۴۰۴ - ۲۳ مارس ۲۰۲۵

به رفقای شرکت‌کننده در یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگران ایران - حکمتیست
وقت به‌خیر و درود!

رفقا، برای شما واضح است که منطقه شرایط بسیار حساسی را پشت‌سر می‌گذارد، از جمله وضعیت ایران که به میدان کشمکش نیروهای بورژوازی محلی و جهانی تبدیل شده است. از سوی دیگر، به ویژه در ایران که میدان مستقیم مبارزات و فعالیت‌های سیاسی شماسست، به میدان تشدید اعتراضات و رویارویی توده‌ها مردم با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است، و روزهای پایانی خود را برای مقابله با حکومت خونین جمهوری اسلامی ایران و پایان دادن به آن سپری میکند.

کنگره شما در دل این شرایط برگزار میشود. ما صمیمانه امیدواریم که این کنگره به پیشرفت جنبش کمونیستی و کارگری در ایران و تقویت مبارزات توده‌ای برای آزادی و برابری منجر شود.

رفقا! از اینکه به دلیل مشغله زیاد رفقای رهبری نتوانستیم در کنگره شما شرکت کنیم پوزش می‌طلبیم. امیدواریم یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگران ایران - حکمتیست با موفقیت برگزار شود.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق

2025-3-28

پیام سازمان راه کارگر به کنگره یازدهم

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

رفقای عزیز

با دروهای گرم و رقیانه و سپاس برای دعوت از سازمان ما به کنگره شما، آرزوی صمیمانه ماست که کنگره یازدهم حزب شما با موفقیت تمام بتواند تصمیم ها و قرارهای خود را تصویب کرده و متحقق کند. سازمان راه کارگر امیدوار است که کنگره شما بتواند در جهت گسترش همراهی ها و همبستگی ها و اتحادهای پایدار برای آزادی و سوسیالیسم و همبستگی طبقاتی کارگران ایران و جنبش چپ تصمیمات مفیدی بگیرد.

رفقای عزیز

کنگره شما در شرایطی برگزار میشود که نسل کشی مردم فلسطین در غزه و کرانه باختری، یکسال و نیم است با حمایت بی قید و شرط و همه جانبه ایالات متحده و متحدین غربی اش و بی عملی و بی اعتنائی نهادهای بین المللی ادامه دارد. بیش از ۵۰ هزار انسان، اغلب از کودکان و زنان در این جنگ کشته، دهها هزار نفر زخمی و مجروح و بیش از ۲ میلیون نفر آواره در میان بمب ها و گلوله ها، در گرسنگی و تشنگی و بی دارویی، مرگ را تجربه میکنند. مردمان لبنان و کرانه باختری و سوریه هم در مقابل این تهاجم وحشیانه رژیم آپارتاید صهیونیستی در امان نیستند. مردمان سوریه، بعد از ده سال جنگ، با سقوط رژیم دیکتاتوری اسد و پیروزی داعشیان التحریر و حمایت رژیم اسلامی اردوغان، نیروهای دمکراتیک و سکولار سوریه و خصوصا روزوا را با خطر کشتارهای جمعی و سرکوبهای وحشتناک روبرو کرده اند. در این میان جنگ امپریالستی در اکران، بواسطه تجاوز روسیه به این کشور و تعرض ناتوی به شرق، جهان را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار داده است. بحرانی که پس از پاندومی کرونا، صدها هزار قربانی گرفته و میگیرد، همه سیاست بین المللی را تحت الشعاع قرارداده، بطور بسیار فاجعه باری هزینه های بسیار سنگینی بر همه مردمان جهان تحمیل، و سیاست میلیتاریستی را به سیاست بین المللی تبدیل، و افزایش تصاعدی بودجه های جنگی را به بسیاری از کشورها تحمیل کرده است. ناتو به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با ارسال سلاحهای مرگبار به اکران به این جنگ ویرانگر ابعاد تازه ای بخشیده، سیاست زور و مجازاتهای بین المللی راعلیه مردمان دیگر کشورها به امری روزمره و عادی و پذیرفته شده تبدیل کرده است.

کمونیستها و نیروهای انسان دوست نمیتوانند به این فاجعه منطقه ای و جهانی بی تفاوت بمانند، ما باید علیه این جنگ امپریالیستی در همه ی ابعاد آن، علیه همه قطبهای این جنگ ویرانگر و همچنین جنگ های فراموش شده یمن، سومالی، افغانستان، سوریه و لیبی باشیم.

در شرایطی که بحران سرمایه داری جهانی عمیقاً گسترش



یافته؛ بحران زیست محیطی، جهان را با مشکلات و بحرانهای عظیم روبرو کرده و آب؛ نه تنها کالایی، بلکه به یک سلاح جنگی در دست قدرتمندان تبدیل شده است، بحرانی چند وجهی که می تواند مهاجرتهای بزرگ و حتی جنگهای بی پایانی را به بشریت تحمیل کند.

در بطن بحران نظام جهانی سرمایه داری، ایران با داشتن نظامی توتالیتر، مذهبی و سرمایه داری عمیقتر از همیشه خود را در محرومیت فزاینده اکثریت عظیم، بی حقوقی همه مردم، فقر و فلاکت و بی آیندگی و بی افق دامنه دار و گسترده نشان میدهد. در این شرایط بحرانی است که شاهد عظیم ترین اشکال اعتراضات کارگری و اجتماعی و مدنی در ایران هستیم. سالی که گذشت سال اعتصابات و تظاهرات و اعتراضات گسترده معلمان و فرهنگیان، کارگران شهرداریها، هفته تپه ایها، کارگران نفت و پتروشیمی، سال همصدایی جنبش های اجتماعی و تقویت همراهی ها و همبستگی ها، سال جنبش بزرگ دادخواهی قربانیان جنایات سیاسی در چهار دهه گذشته، سال کارزار سه شنبه ها علیه اعدام بود. بنا به جمعبندی تریبون کارگری، در این سالی که گذشت بیش از دوهزار و هفتصد اعتراض و اعتصاب و تحصن و تظاهرات ۸۲۳ اعتراض مدنی و اجتماعی، یعنی بیش از ده حرکت در روز ثبت شده است.

رفقای عزیز

چه در ایران و چه در سراسر جهان، ما تنها از طریق گسترش روحیه اتحاد و فضای همگرایی و همکاری در اردوی سوسیالیستهای انقلابی، آزادیخواه و برابری طلب است که می توانیم در برابر تهاجم نیروهای راست و مدافع نظام سرمایه داری بایستیم. نظامی که جهان بشریت و طبیعت را در همه عرصه ها به سوی نابودی سوق می دهد. یک میلیارد گرسنه، سیصد میلیون کودک کار، هفتاد میلیون پناهجو، راه اندازی مداوم جنگهای ارتجاعی و ویرانگر، بر باد دادن تریلیونها دلار از ثروت بشریت در مسیر میلیتاریسم و کشتار و رقابتیهای نظامی منطقه ای و بین المللی، تخریب سیستماتیک محیط زیست و آژیر خطری که به صدا در آمده تا در کمتر از سه سال کره زمین را به زیر خط مرگ براند و انبوه مصائب دیگر که تنها می تواند یک بدیل در برابر آن ایستادگی کند و بشریت و طبیعت را از این نکتبت نجات دهد: آلترناتیو سوسیالیستی برآمده از انقلاب اجتماعی و دمکراسی عمیق شورایی.

پیام سازمان راه کارگر به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ...

اما درست در بطن این بحرانهای همه جانبه جهانی، دستجات راست افراطی و نئوفاشیست سعی دارند با دادن آدرس غلط، توجه انبوه انسانهای جویای عدالت اجتماعی و عاصی از وضع موجود را به خود جلب کنند و گاه اینجا و آنجا با بهره گیری از غفلت چپ و بویژه تفرقه آن، به توفیق هایی نیز دست میابند. همین فاجعه می تواند در جهنم استبداد و استثمار- رژیم اسلامی جنایت و غارت حاکم بر ایران- نیز باز تولید شود. گفتمان ها و گرایشاتی که سعی دارند با تکیه بر کمکهای مالی امپریالیستی و ابر رسانه های وابسته به آنها، مهندسی افکار را در راستای منافع خود پیش ببرند، امروزه متأسفانه در صحنه هستند. اینجاست که نیروهای انقلابی و رادیکال سوسیالیست باید حساسیت و تحرک خود را افزایش دهند و با پرهیز از برجسته کردن این یا آن اختلاف فرعی، با حرکت در مداری بزرگ، جنبش سوسیالیستی را بیش از پیش تقویت کنند.

رفقای عزیز

بی شک کشور ما راهی جز انقلاب از پایین و خود حکومتی کارگران و زحمتکشان، تقویت اردوی آزادی و برابری و پیروزی جنبش کارگران و فرودستان و گذار از سرمایه داری ندارد. برای تحقق این امر، همکاری و همبستگی همه بخشهای طبقه کارگر و مزدبگیر، همکاری و همبستگی و اتحاد همه جریانات چپ و کارگری و کمونیستی و سازمان دادن اقدامات و همکاریهای مشترک و پایدار ضرورت روز است. خوشبختانه، پس از سالها تلاش و پیگیری، ما شاهد شکل گیری همکاری و اتحاد عمل مشترک شش سازمان و حزب

چپ و کمونیستی، همکاری در شکل دادن یک تلویزیون ۲۴ ساعته چپ برای بازتاب صدای بی صدایان، صدای طبقه کارگر و محرومترین مردمان از این رسانه هستیم. واینک هرچند سازمانهای ما بطور مستقل برنامه تولید می کند اما آنچه تولید می شود عموماً در راستا اهداف مشترک و به انجام آن همت گمارده اند قرار دارد و به نوبه خود تأثیرات بسیار مثبتی در میان فعالان سیاسی و اجتماعی گذارده و میگذارد. آنچه برای ما حیاتی است این است که این صدا را تقویت کنیم و بکوشیم صداها را پراکنده، منقطع و سرکوب شده را انعکاس دهیم و به یک صدا و تصویر واحد تبدیل کنیم و گفتمان آلترناتیو چپ و کارگری، آلترناتیو سوسیالیستی و شورایی را در مقابل آلترناتیوهای بورژوایی، به نقطه ی امیدی برای تغییرات بزرگ در ایران دربند ارتجاع تبدیل کنیم. ما میتوانیم و باید در کنار اعتراضات روزمره کارگران، معلمان، بازنشستگان، بیکاران، زنان، جوانان، طرفداران محیط زیست، مدافعان حقوق مدنی و انسانی و همه ی جنبشهای اجتماعی ایران قرار بگیریم و صدا و تصویر آنان را برای تغییرات رادیکال و انقلابی منعکس کنیم و بیش از پیش با آن گره بخوریم.

رفقای عزیز حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سازمان راه کارگر با صمیمانه ترین درودها به شما رفقا، دستهایتان را برای ادامه و تحکیم روابط مشترک می فشارد و آرزو دارد که این کنگره به سهم خود در تحکیم روابط و انسجام اتحاد عمل مشترک سازمانهای چپ و کمونیست و تقویت همبستگی های بزرگ طبقاتی اقدام نماید و کنگره شما؛ کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با موفقیت و پیروزی کارش را به اتمام رساند.

با درودهای رفیقانه- کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

مارس ۲۰۲۵



پیام سازمان آلترناتیو کمونیستی در عراق

به کنگره ۱۱ حزب حکمتیست

رفقای حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شرکت کنندگان عزیز

از طرف سازمان آلترناتیو کمونیستی در عراق و از طرف خودمان به مناسبت یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست صمیمانه ترین تبریکات خود را به شما تقدیم میکنیم.

رفقا،

جهان سرمایه داری در حال حاضر در بحرانی عمیق، همه جانبه و لاینحل بسر می برد. کشمکش و رقابت بین قدرت های سرمایه داری امپریالیستی بر سر تقسیم بازار جهانی، کسب نفوذ ژئوپلیتیکی و تحمیل هژمونی خود بر جهان خشونت آمیزتر می شود. برای دستیابی به این هدف، این قدرتها از جنگ و خونریزی دریغ نخواهند کرد، همانطور که در اوکراین، فلسطین، لبنان، سوریه و بسیاری از نقاط دیگر جهان اتفاق می افتد. همه اینها در زمانی اتفاق می افتند که قدرت نیروهای دست راستی در بسیاری از کشورها رو به ازدیاد است و فاشیسم در سطح جهانی به ویژه در آمریکا در حال افزایش است.

ظهور جنبش نئوفاشیستی امروزی، به ویژه در آمریکا، به عنوان یک جنبش نئوفاشیستی بورژوایی که تا مغز استخوان دشمن طبقه کارگر و توده های زحمتکش، محروم و تحت ستم است، این اتفاقات در بزرگترین دولت سرمایه داری امپریالیستی روی زمین رخ میدهد که تأثیر مخربی بر زندگی کارگران و همه ستمدیدگان باز خواهد گذاشت.

در خاورمیانه، درگیری خونین بین دو بلوک ارتجاعی - جمهوری اسلامی ایران از طریق نیروهای نیابتی و دولت فاشیست اسرائیل - به ویژه پس از حملات نظامی به گروه های طرفدار ایران، حماس و حزب الله لبنان تحت نام "محور مقاومت" و سقوط رژیم اسد به دست گرفتن قدرت توسط (هیئت تحریر الشام - جبهة النصره) و تشدید نفوذ فزاینده ترکیه. همه اینها شرایط جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است که ما کمونیستها باید در برابر آن موضعگیری کنیم. امروزه بیش از هر زمان دیگری مبنای مادی برای همبستگی، همکاری و اتحاد انترناسیونالیستی پرولتری و کمونیستی در خاورمیانه وجود دارد که برای پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ضروری شده است. مارکسیسم و جنبش کمونیستی پرولتری انقلابی که در این مرحله با قدرت جدید و پیشرفت بیشتر دست و پنجه نرم میکند و به عنوان یک صف یکپارچه از جنبش کارگری، باید این ویژگی را بشناسد و در سطح این وظیفه باشد.

سرمایه داری و قدرت بورژوایی در دنیای امروز نه تنها بشریت را در



جنگ، آوارگی، بیکاری و گرسنگی فروبرده است، بلکه آینده ای تاریک را برای سیاره ما، محیط زیست، طبیعت و آینده بشریت رقم زده است. همه اینها در زمانی اتفاق می افتد که فناوری، علم و هوش مصنوعی تا حد شگفت انگیزی پیشرفت کرده اند.

دنیای امروز مملو از اعتراضات، تظاهرات، اعتصابات، قیامها و انقلابهای توده ای کارگران، جوانان و زنان تحت ستم است. در سالهای اخیر، در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، از ایران گرفته تا عراق، اقلیم کردستان عراق، لبنان و شمال آفریقا، قیامهای توده ای علیه رژیمهای بورژوا ناسیونالیست و اسلامگرا به راه افتاده است. حلقه گمشده در تمام این قیامها و مبارزات توده ای، افق سوسیالیستی و سازمانی مبتنی بر این افق است که این مبارزات و قیامهای پرولتاریای انقلابی را در این کشورها به هم پیوند میزند و آنها را در چارچوب یک جنبش انترناسیونالیستی شکل میدهد. این وظیفه پرولتاریای کمونیست و احزاب کمونیست است.

رفقا!

اتخاذ سیاست مستقل طبقاتی و تقویت تحزب کمونیست پرولتاریا در بطن این مبارزات و اعتراضات و قیامها ضامن رشد و تقویت جنبش کارگری به سوی پیروزی است.

یکبار دیگر کنگره موفقی را برای شما آرزو داریم.

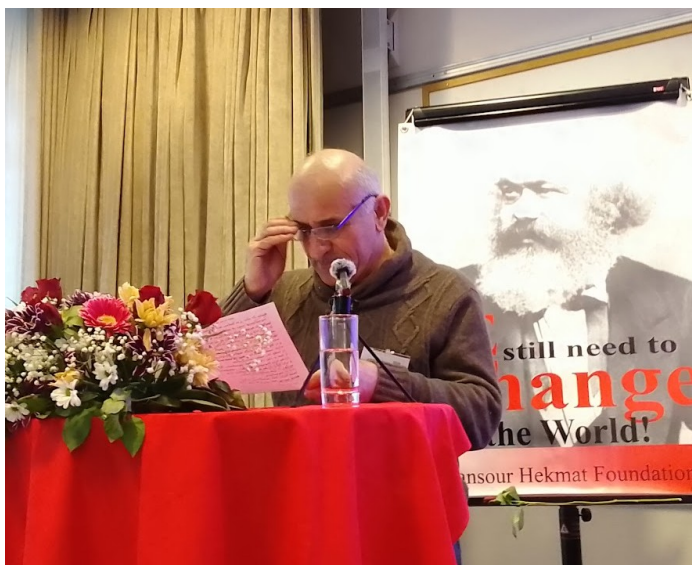
زنده باد انقلاب سوسیالیستی

زنده باد کمونیسم

هیئت سازمان آلترناتیو کمونیستی در عراق

جمال کشش و عبدالله صالح

۲۹ مارس



پیام اتحاد سوسیالیستی کارگری به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

با درودهای رفیقانه!

رفقا!

یازدهمین کنگره حزب شما از هر نظر در یکی از بحرانی ترین و پیچیده ترین اوضاع جهان، خاورمیانه و ایران برگزار میشود که همگی در سرنوشت مردم ایران و رژیم اسلامی موثر است. به گونه ای که در دوره حاضر، حتی تحلیل اوضاع روز ایران نیز بدون بررسی اوضاع جهان و خاورمیانه کامل نیست.

در رابطه با آمریکا، دو راهی توافق و تسلیم یا جنگ مطرح است. در خاورمیانه، رژیم در عرض یک سال بسیاری از مناطق نفوذ خود را از دست داده که تأثیرات گسترده ای در موقعیتش نزد مردم داشته است.

در داخل، حتی اصلاح طلبان از شکست پزشکیان صحبت می کنند و نسبت به خطر فروپاشی و پایان عمر رژیم اسلامی هشدار می دهند. -در اپوزیسیون ایران، راستهای افراطی و فاشیستهای سلطنت طلب همدست دولت اسرائیل شده اند و طرفدار جنگ و حمله نظامی به ایران هستند.

-جمهوریخواهان و لیبرالها علیرغم تلاشی که دارند هنوز بسیار پراکنده و بی برنامه اند و پایگاه اجتماعی آنها برای رهایی هر چه سریع تر از شر رژیم اسلامی، با استیصال و بشکل عمل گرایانه ای گوشه چشمی به رضا پهلوی دارند. زیرا جمهوریخواهان و لیبرالها همراه با سلطنت طلبان، در اساس مدافع یک مدل اقتصادی هستند که مانند رژیم اسلامی مدافع صاحبان صنایع و سرمایه اند.

-سوسیالیستها نسبت به سلطنت طلبان و جمهوریخواهان و لیبرالها یک موقعیت ویژه دارند. اکثریت قریب به اتفاق مبارزاتی که در کارخانه و

دانشگاه و خیابان هر روز جریان دارد پایگاه طبقاتی سوسیالیستها هستند و مطالباتی که دارند تنها در یک نظام ضد بهره کشی انسان از انسان با حاکمیت شورایی بدست می آید. منتها سوسیالیستها بطور کلی، علیرغم تلاشهایشان هنوز رابطه تنگاتنگ و در هم تنیده ای با پایگاه طبقاتی خود و در راس آنها طبقه کارگر ندارند. بسیار پراکنده اند و هنوز نتوانسته اند پایگاه طبقاتی خود را در سطح کلان سیاسی نمایندگی کنند.

از شما به دلیل دعوت از اتحاد سوسیالیستی کارگری به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، تشکر می کنیم و برای کنگره یازدهم شما آرزوی موفقیت داریم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری
هشتم فروردین ۱۴۰۴ برابر با ۲۸ مارس ۲۰۲۵



پیام به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

از طرف شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

رفقا برگزاری یازدهمین کنگرمتان را به شما رفقا شادباش می گوئیم و آرزوی برگزاری کنگره‌ای پربار و موفق برایتان داریم.

رفقا، کنگره شما، در شرایطی برگزار می شود که نه تنها جامعه‌ی ایران که سراسر جهان، یکی از دورانه‌ی پر فراز و نشیب خود به سر می برد. وضعیت نابسامان اقتصادی، رقابت های بلوک های بزرگ سرمایه‌داری، جنگ و ویرانی در فلسطین، به قدرت رساندن نیروهای ارتجاعی در سوریه، وضعیت نامعلوم در ترکیه، نیرومند شدن احزاب فاشیستی و اولترا راست در اروپا و آمریکا از طرفی و افول یکمنازای های قدرت های بزرگ از طرفی دیگر، نشان از بحران عمیق تری است که نظام سرمایه‌داری با آن روبروست.

در ایران ما از طرفی شاهد ضعیف شدن رژیم در سطح منطقه‌ای و از طرفی درنده تر شدن آن در داخل و بالا گرفتن موج سرکوبهای سیاسی اجتماعی هستیم. از طرفی شاهد گسترده شدن فضای اعتراضی و به میدان آمدن بخش های مختلف طبقه کارگر در جامعه هستیم و از طرفی شاهد بحرانی شدن وضعیت اقتصادی و نابسامانی های هر چه بیشتر اجتماعی هستیم.

رفقا!

کنگره شما در چنین شرایطی برگزار می‌شود، شرایطی که نیاز به سازماندهی، نیاز به حضور نیروهای مترقی و کمونیستی بیش از هر زمان دیگری وجود دارد. کنگره شما باید نشان دهد که حزب شما با دقت و جدیت به وظیفه تاریخی خویش در چنین شرایط بحرانی واقف است و جزو نیروهایی است که تلاش میکند، بحران جهانی سرمایه‌داری و بحران سیاسی اقتصادی در ایران، منجر به خلع سلاح هر چه بیشتر طبقه کارگر و فقر و ناامنی و جنگ نشود، بلکه برعکس عزمش را برای سازماندهی، برای مبارزه بی امان طبقاتی و برای گذر از این دوران و ساختن دنیایی بهتر جزم کرده است.

رفقا!

حزب شما، یکی از احزاب فعال و شناخته شده در کردستان می باشد. همچنین ما خوشحالیم که در شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان شما را در کنار خود داریم. امیدواریم در این کنگره، به سیاست همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست ادامه دهید و از این طریق گام‌های مؤثری برای تقویت چپ و کمونیسم در کردستان و سراسر ایران بردارید. پیشروی چپ و کمونیسم در کردستان در نهایت پیشروی چپ و کمونیسم در سراسر کشور است.

بار دیگر آرزوی کنگره‌ای موفق برایتان داریم و با تشکر از دعوت شما نمایندگانی از شورا در کنگره شرکت کرده و با اشتیاق منتظر شنیدن و دریافت مباحث کنگره هستیم. کنگره موفق برایتان آرزو میکنیم.

پیروز باشید!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان - مارس ۲۰۲۵

پیام حزب کمونیست کارگران کردستان به یازدهمین

کنگره حزب کمونیست کارگران ایران - حکمتیست

رفقا و شرکت کنندگان در یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگران ایران - حکمتیست

سلام گرم

ابتدا امیدواریم کنگره شما در جهت اهداف اعلامی حزب و انقلاب کارگری گامهای جدی بردارد و کنگره با دستاوردهای پربار به پایان برسد.

رفقا!

یازدهمین کنگره حزب در زمانی برگزار میشود که تحولات بزرگ و ملموسی در جهان و خاورمیانه رخ داده و در جریان است. آنچه در این تحولات مشهود است این است که بورژوازی، قدرتها و جنبشهای مختلف آن جامعه بشری را در معرض جنگ، ویرانی، آوارگی و رقابت نظامی گری قرار داده است که بیهی است بدون حمله به طبقه کارگر و توده‌های محروم به دست نمی آید. بنابراین طبقه کارگر در معرض بیشترین حمله نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری قرار دارد. کشتار و ویرانکاری علیه مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل و حمایت آمریکا و کشورهای غربی در این جنایات نمونه بارز این وضعیت است. اما آنچه در این شرایط امیدوارکننده است، مبارزه طبقه کارگر، زنان و جنبش انقلابی مردم ایران است که بوی فروپاشی حکومت جمهوری اسلامی به مشامشان رسیده است. این در شرایطی است که مقامات ایران روز به روز با عقب‌نشینی‌های بزرگ داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شده‌اند و توازن قوا به نفع جنبش انقلابی تغییر کرده است. از این رو، وظیفه مداخله جویانه و رهبری کمونیستها افزایش یافته است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مسئولیت بزرگی بر عهده دارد.

رفقا!

ما و طبقه کارگر کردستان با چشم امید به تلاش و مبارزه کمونیستهای کارگری برای گور کردن جمهوری اسلامی ایران و سرنگونی قلعه ارتجاع اسلامی سرمایه در منطقه هستیم. این البته فصل جدیدی را برای تغییرات جهانیو منطقه‌ای باز میکند. لذا امیدواریم این کنگره و حزب شما در جهت یک جواب انقلابی به این شرایط آماده و نقش خود را در این وضعیت ایفا کنند.

کنگره موفق برای شما آرزو مندیم.

22/3/2

پیام کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست به دانشجویان چپ و سوسیالیست

کنگره یازدهم حزب به شما دانشجویان مبارز و انقلابی درود میفرستد. دانشگاه در کشورهای استبدادی یک کانون رشد کمونیسم و عقاید آوانگارد و یک سنگر مقابله با ارتجاع و استبداد و خرافات است. در دانشگاه‌های ایران، با وجود تناسب قوای نامساعد و سرکوب سیاسی، اعتراضات دانشجویی عمده‌ای از انتقاد چپ و سوسیالیستی به وضع موجود الهام گرفته است و مستمراً تلاش کرده است صدای انتقاد رادیکال در جامعه باشد. دانشگاه‌های ایران دوره‌ها و تجارب مختلفی را پشت سر گذاشته است اما نقطه عطف مبارزات دانشجویی در چهار دهه گذشته را می‌توان در نقش ویژه دانشجویان در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ در بیش از ۱۰۰ دانشگاه در سراسر کشور با سازمان‌دهی نیروهای چپ و سوسیالیست و مقابله با نیروهای سرکوبگر و امنیتی در سطح دانشگاه‌ها و خیابان‌های کشور، قرار گرفتن زنان در نقش رهبری بخشی از این اعتراضات، حجاب سوزان، الغای عملی آپارتاید و تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، تقابل با جمهوری اسلامی و ترسیم فاصله با جریان‌های واپسگرا و دست راستی مانند اسلامپها و سلطنت‌طلبان دانست.

دانشگاه یک کانون داغ مبارزه سیاسی و مقابله با ارتجاع فکری و فرهنگی حاکم است. گرایش رادیکال و سوسیالیست در دانشگاه‌ها، در عین مبارزه با ارتجاع و طبقات حاکم و سانسور و اختناق در دانشگاه، تمایز و تفاوت فکری و سیاسی و عملی خود را از محافل و جریان‌های ارتجاعی و راست مانند محور مقاومتی‌ها، ناسیونالیست‌ها و پوپولیست‌ها، اسلام‌یون تازه لیبرال و سلطنت طلب شده، نشان دادند. سیاست رادیکال و ملهم از جنبش طبقه کارگر و اعتراضات برابری طلبانه، دانشجویان چپ و سوسیالیست و کمونیست را به صدای دفاع از طبقه کارگر بدل کرده است. تجارب تاکتونی و پتانسیل مبارزات دانشجویی، بر نیاز ارتقای اشکال سازمانی و تقویت جهت‌گیری سوسیالیستی در جامعه متحول ایران تاکید میکند.

قلمروهای اساسی مبارزه روزمره در دانشگاه‌ها، مبارزه علیه سرکوب و اختناق، علیه پولی سازی آموزش، علیه تفکیک جنسیتی و آپارتاید، علیه نابرابری و تبعیض، علیه فقر و فلاکت و بنیان این اوضاع است. دانشجویان انقلابی بعنوان «فرزندان کارگران»، نقش مهمی در تحولات و شکل دادن به شعارها در اعتراضات اجتماعی داشته‌اند و یک تلاش بسیار مهم آنها قرار گرفتن در کنار جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادی زن برای نفی استثمار و استبداد و آپارتاید است. امروز یک شاخص اصلی رادیکال بودن نزدیکی فکری و سیاسی و عملی به جنبش‌های اصلی در جامعه است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همواره همبستگی خود را با این مبارزات پرشور و فعالان آن اعلام و از اعتراضات رادیکال در دانشگاه‌ها حمایت کرده است. دانشجویان هزار بار حق دارند علیه پادگانی کردن دانشگاه‌ها، علیه تجاری و بازاری کردن آموزش، علیه تبعیض‌های آزاردهنده و ضد انسانی در تمام سطوح، علیه جداسازی

جنسیتی، علیه اخراج و پاکسازی‌ها و علیه مدافعان و توجیه‌گران این اوضاع صدایشان را بلند کنند. دشمن دانشجویان جمهوری اسلامی و نظم حاکم است. در عین حال دانشگاه‌ها نباید میدان مانور نیروهای دولتی و روشنفکران توجیه‌گر استبداد و سرکوب و زن ستیزی باشد. دانشگاه محل دانش و تحصیل علم است نه مسجد و پایگاه بسیج و روضه خوانی. دانشگاه‌ها باید محیطی آزاد و علمی با دخالت مستمر دانشجویان در امور باشد.

دانشجویان سوسیالیست و کمونیست و پیشرو!

شما جزو نسل جدیدی هستید که قرار است آینده را شکل بدهید. این آینده از نظر ما باید یک آینده ضد کاپیتالیستی، یک آینده کارگری و سوسیالیستی باشد. جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادی زن ستون فقرات اصلی این آینده هستند. لذا هر نوع اتحاد و نزدیکی و دوری دانشجویان کمونیست با دیگر نحل‌های فکری تابعی از اهداف و منافع جنبش ماست. محور مقاومتی‌های مرتجع و طرفدار رژیم، اصلاح طلبان اسلامی لیبرال شده، ناسیونالیست‌ها و خلقیونی که بطور موسمی در کنار ارتجاع سیاسی قرار می‌گیرند، به گذشته تعلق دارند. آینده از آن نیروهایی است که با اوضاع و سیر آن خوانایی دارند. متشکل شوید، با قدرت بخشیدن به صفوف سوسیالیستی و چپ در دانشگاه‌های کشور و با ایجاد بسترهای مناسب این کار، برای نبردهای پیش رو، همانگونه که در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به عنوان یک محور اصلی مبارزات سرنگونی طلبانه و انقلابی علیه جمهوری اسلامی ظاهر شدید، آماده شوید. بویژه در دوره حاضر، بیش از هر زمان صف مستقل خود را در مقابل جناح‌های ارتجاعی حکومتی و اپوزیسیونی تقویت کنیم. ضروری است دانشگاه‌ها یک سنگر مبارزه علیه میلیتاریسم و جنگ طلبی ارتجاعی و ضد جامعه، علیه جمهوری اسلامی، علیه نظم سرمایه داری و مصائب آن باشد. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در این مبارزه حامی و در کنار شماست.

مصوب پلنوم کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۱

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۷ آوریل ۲۰۲۵

پیامهای دریافتی شخصیت‌های سیاسی

بخش زیادی از رفقا و شخصیت‌های چپ و کمونیست که به کنگره

حزب دعوت شده بودند و متأسفانه نتوانسته بودند همراه ما باشند،

با ارسال پیام کتبی و شفاهی برای کنگره حزب آرزوی موفقیت

کردند. بدینوسیله از این رفقای گرامی تشکر میکنیم و آرزوی

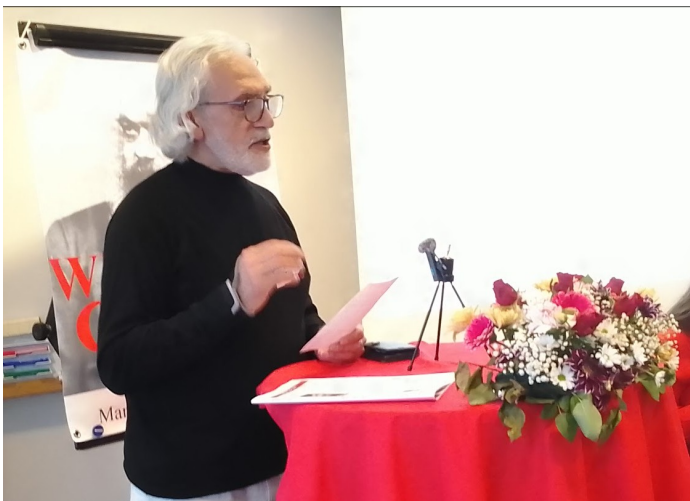
تندرستی برایشان داریم.

از جانب کمیته برگزاری کنگره یازدهم حزب حکمتیست

سیاوش دانشور

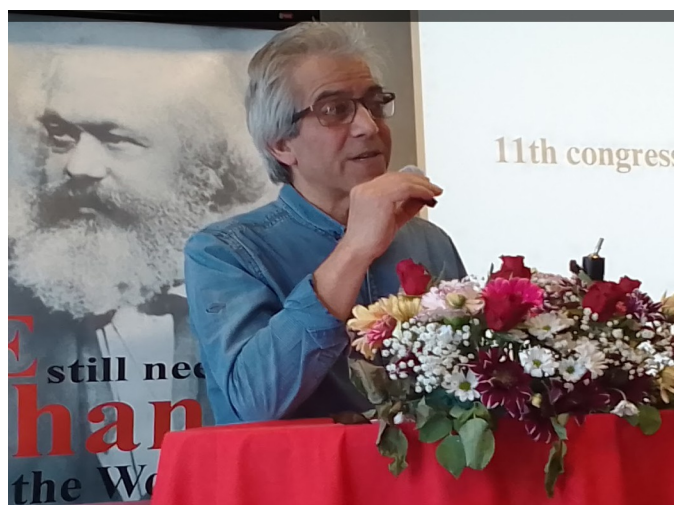


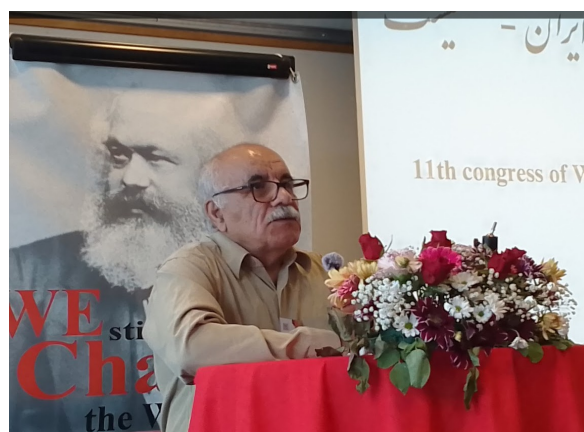






کمونیسم تنها راه نجات بشریت است!





زنده باد سوسیالیسم!